

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

هسته‌های مقاومت در ایران

تظاهرات بزرگداشت

انقلاب مشروطیت

گزارش‌های رسیده از هسته‌های اطلاعاتی نهضت مقاومت ملی ایران حکایت از آن دارد که در شب سیزدهم مرداد (۴ اوت) تظاهرات با زمان یافته در خورنوجی در بسیاری از شهرهای ایران، بمناسبت هشتادمین سالروز اعلام مشروطیت برپا شده است.

این گزارش‌ها، دربارۀ نحوه و شکل برگزاری تظاهرات، چنین توضیح می‌دهد:

"گروه‌های پنج تا هفت نفری از جوانان وابسته به هسته‌های مقاومت در شهرهای گوناگون ایران، در شب سیزدهم مرداد ماه با پرچم‌های قلمرو و سینه‌های طلا، با لگن‌ها و عکس‌های پیشامری در سطح شهرهای تهران، اصفهان، کرمان، رشت، بابل، تبریز، رضائیه و... توزیع کرده‌اند..."

بقیه در صفحه ۱۱

هادی بهزاد

حوادث پیش از توفان

بودیا گورستان . پدران و مادران بسیاری هستند که جوانان خود را از وحشت میدان در خانه‌ها پنهان کرده‌اند.

بدری نقل می‌کند که چگونگی ماه تمام بسوی راه زرفتن به مدرسه با زدا شده و در کتبخانه زندانی کرده است تا مبادا سرازیرد های مجنون و برهوت هورالهیوز به درآورد. ولی یک روز که ظاهراً "بسرک به تنگ آمده و برای گشتی در کوچه و بازار، دل بدربازده بود، درست در همان روز به نام افتاد و پدر آن پس دیگری از او پندیده است.

پیدا است که در چنین جو هولناکی اگر طاقت آدمیزاد به سختی گویی باشد، در هم می‌شکند.

بقیه در صفحه ۲

روایت می‌کنند و این همه تا منتظر نیست.

درآمدیک ماه خانوار، کسب‌دراز متعارف حتی یک هفته را جواب نمی‌دهد. در تشریهای کم‌درآمد آمارگر سنگینی و کمبود غذا، برچهره‌ها پیدا است.

خانه‌های جزمان قصور غنیمتی که به شبهه انبوه فراول و پساول محافلت میشوند، از سرت های شبانه روزانه ایمن نیست.

حکایت درمان و دارو، مصداق مَثَل سیمرغ و کیمیا است.

بیماری‌های از یادرفته، مانند تراخو و سیاه زخم و مالاریا و کحلی روزافزون است. گذشته‌ها زاین‌ها، هیچکس به فردای خود آگاه نیست که جای پیش‌زندانی خواهد بود.

حال و هوای امروز ایران به حال و هوای قبل از توفان میماند.

علائم بسیار از بایان تحمل خیر می‌دهد، خوشه‌های خشم در همه جا، کوچه و بازار و مدرسه و خانه و اداره و کارخانه به چشم می‌خورد، حرکت‌های اعتراضی اوج می‌گیرد، لعنت و نفرین حدیث رایج است، احتیاط و پنهانکاری فراوان شده است، ازدیوارهای موش‌دار، هراسی نیست؛ اعتماد بپزشکان، اعتماد بکسیران‌ها، امواج ناراضی در موبسات کارگری - تا آرمی‌های بی‌درپی در مناطق عشیره‌ای، عقده‌گشایی به قربان‌ها و ناسزا، در صف‌های بی‌انتهای خرید و حتی در فضای بسته‌ی اتوبوس‌ها، از ظهور برشتا بی‌باکی‌ها

گزارش‌های ایران

در نخستین روزهای تیرماه مردم رشت در شرایط گران نفس گیر ماه اصلی حیاتشان "بهرنج" و کمبود نان به تظاهرات خشمگین دست زدند و هنگامی که با سدا ران قصد تیراندازی و برآوردن مردم را داشتند زنان چادرهای خود را کشود و سینه‌ها را جلو داده و فریاد کشیدند: بیاید بزنید یا با غذا بدهید!

بقیه در صفحه ۴

قربانیان بی دفاع

از پنج همدستی "جنگ سرها"، بالا گرفته است. عراق با بمباران پالایشگاه سپهری، این "جنگ" را با درگیری گسوده است و ایران نیز به تلافی برخاسته است. طی این مدت، تقریباً "هر روز" هدف‌های نظامی و اقتصادی "ساعتی" در سیمباران‌ها مدعی اند، مورد حمله قرار می‌گیرد، اما قربانیان این حملات "اکثراً" مردم سرها هستند. خانه‌های بسیاری بر سر شهر وندان ترومی ریزد، در حالی که اهداف واقعی اقتصادی و نظامی، کمتر در حملات این حمله‌ها زیر فریب قرار داده شده است.

مراقب، سرهای اراک و درود و اصفهان و سندج و یاب را فرو کوبیده است و ایران به تلافی بصره و همدان و کرمانشاه عراق را هدف قرار داده است.

این مرحله از "جنگ سرها" در حالی ادامه می‌یابد که تا طران سازمان ملل در حال دیدار از سرهای بمباران شده بودند، زمار هر دو طرف مدعی آنکه دشمن از نواقض ضمنی ۱۹۸۵ سر بیجده است و هدف‌های غیر نظامی و خانه‌های مردم را بمباران می‌کند.

گزارش‌های مربوط به تلفات ناشی از این حملات می‌رسد، می‌تواند دقیق باشد، زیرا بی‌الملل وقتی جنگنده‌های عراقی اراک را بمباران کردند، مقامات دولتی تلفات ناشی از این حمله را ۱۲ نفر ذکر کرده بودند اما وقتی روزنامه "رسالت"، قربانیان بمباران اراک را بیشتر از یکصد نفر اعلام کرد، مقامات جمهوری اسلامی نیز قربانیان بمباران اراک را سندی تا حدود صد نفر اعلام داشتند.

بهر حال، جنگ بی‌پایان و ویرانگر دو کشور همسایه و دو ملت مسلمان را از هستی باقی می‌گذارد و این فاجعه در حالی بالا می‌گیرد و ویرانی روی ویرانی می‌فریاد که جمهوری اسلامی، هرگز در مذاکرات صلح را رد نمی‌کند.

گزارش‌های که در روز می‌آید، کلون‌های این منطقه "سروان" عراق را توصیف می‌کند. چنین مصائبی هر روز بر ملت ایران نیز می‌رود و جنگ بی‌حاصل سازمان قربانیان بر سر ایدینگر از ایران با خواهد گرفت.

بقیه در صفحه ۳

کمال روحانی

قلمرو خصوصی

خوئینی‌ها!

موسوی خوئینی‌ها داستان جمهوری اسلامی ضمن یک سخنرانی در مشهد اظهار داشت که مبارزه با بدحجابی را بعنوان نهی از منکر باید بر عهده همه اقصاد جامعه گذاشت. وی رسماً "اعتراف کرد که جز از طریق حزب اللهی‌ها برخورد با این مسئله غیر ممکن است. به عبارت بهتر موسوی خوئینی‌ها در مقام دادستان جمهوری اسلامی تأکید کرد که ضرب و شتم و هتک کرامت کاری است که از نظر رژیم ولایت فقیه، اصولی و منطقی است. وی یکبار دیگر به موضوع دعوت دولت موسوی از ایران با خارج

بقیه در صفحه ۴

وای به حال امریکا!

در صفحه ۷

داستانی جذاب

از تاریخ بی‌هقی

در صفحه ۶

کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

است در داخل و خارج ایران بصورت چشم‌گیری توسعه یافته.

۱۴ مرداد مقارن با سالگرد اعلام مشروطیت در ایران است.

نما پنجاه نهضت افزود: نا پوربختیار جوان و دانشجو در اروپا نیز در مقابل دیکتاتوری فرانکو در اسپانیا قدم برداشت و در جنگ جهانی دوم، علیه سربازان هیتلری جنگید.

پس از پایان تحصیلات با آن که وی می‌توانست در رژیم وقت ایران بالاترین مقام‌ها را بدست آورد، به خاطر منافع ملی و دفاع از حقوق مردم کشور، در مقابل دیکتاتوری سلطنتی سرختم نکرد و سی سال با آن مبارزه کرد و مدت‌ها در زندان بسربرد.

بختیار را جوانی خواهان استقلال کشور و دموکراسی و عدالت اجتماعی برای هموطنانش بود و تاکنون هیچ گساره از این خط عدول نکرده است.

شمار نهضت مقاومت ملی ایران هم امروز غیر از آن نیست، یعنی: استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی.

بقیه در صفحه ۲

به مناسبت سالگرد تاسیس نهضت مقاومت ملی ایران، از سوی کمیته اجرائی نهضت، شاخه آلمان فدرال، یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۱۵ مرداد (۶ اوت) در سالن کنفرانس پارلمان آلمان برگزار شد. در این کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان خبرنگاری آلمان (د. ب. آ.)، نمایندگان خبرنگاری آسوشیئیرس، یونایتد پرس و ویتس، نمایندگان رادیو شمال آلمان و صدای برلین و عده‌ای از روزنامه‌نگاران مستقل شرکت داشتند.

در آغاز کنفرانس، یکی از نمایندگان نهضت مقاومت ملی ایران شاخه آلمان سخنرانی مشروحی درباره سوابق فعالیت‌ها و دیدگاه‌های نهضت ایران کرد که قسمت‌هایی از آن در زیر می‌آید:

نما پنجاه نهضت در ابتدا گفت: نهضت مقاومت ملی ایران در روز ۱۵ اوت ۱۹۸۵ (۱۴ مرداد ۱۳۵۹) به وسیله آقای دکتر شاپور بختیار در شهر پاریس بنیاد نهاده شد. از آن تاریخ تا به حال، نهضت مقاومت ملی ایران توانست

حوادث پیش از توفان

بقیه از صفحه ۱

سخت نیست، آب نیست، درمان نیست، امنیت نیست.

گرمای آشنا رهت، خوشبخت و آزار و خشیانای او با شایه سدا رو بسجسی و بدکاره های نارالله هست که خود در عین حال منبع درآمدی است و همین کافیت بی اراده، در شدت گرمسای، مشغله های واپس رود، تا رموشی ظاهر شود که پیشا بیش سرخ گناه را فقهائینا بر "حادثه نبوی" مشخص کرده اند و کیست که نداند در مقابل فرمان "نقیه" چون و چرا دیوانگی است.

واقعا "دیگرچه تحملی میانند؟ - این کدام موجود زنده و صاب عصبی است که چنین جهنمی را تاب می آورد؟ اما رژیم در کنار این نورتا فتنه ننها به سرپوشاختن و زور جسیده است و ظاهرا "خزاین هم چاره ای ندارد که اگر دمی غفلت کند، سراپای خود را به جرقه های در آتش خواهد دید.

اما لیزه های بیش از طوفان، جوانه های آشکار خشم و اعتراض به سبب خود این واقعیت را نگار می کنند که اگر جبر و اختناق آخرین دستاویز "مانندین" است، "الزاما" تخمین کنند که ای نیست و این سهل است، زمان تجربه می گوید که قهر و استبداد در اندازه غلبت تروستگین نشود، بهمان اندازه شدت انجا رسیم گین ترخواهد بود و گویا بر رژیم اسلامی عبور را چاره ای نیست تجربه ای مقدر شده است.

از این هفت سالواندی که رژیم تمام تقای خود را به کار حفظ موجودیت خود گرفته است، ستا چها رسالی در هوای فریب و انتظار رسیری شد، یک چند نیز جامعد حال- مجروحی را دادند، که بدین گرم بود، در در احسن نمی کرد ولی درست همانطور که انتظار می رفت، رفته رفته در دلا هرنه و از این سن آخوندها آنچه از بگرو دروغ اندوخته داشتند، بکار زدند.

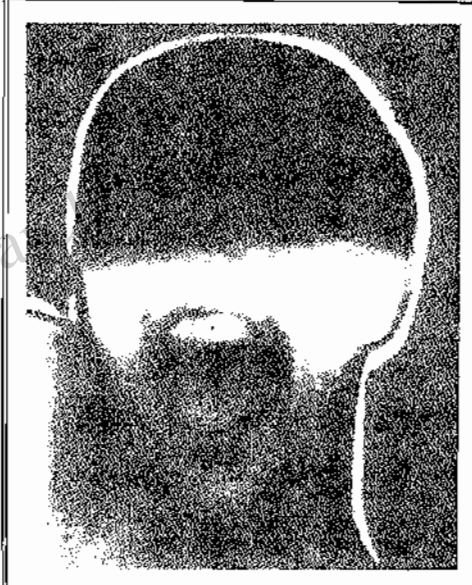
با بیست و استخوان خود حس می کنند و می پذیرند که "بالا ترا از سیا هی رنگی نیست" و همین است که دل ها را برای به دریا زدن بر میا نگیزد.

با چنین درد و مصیبتی که فقط با بد کشید و باورش کرد، "پروز خیزش های اعتراضی یک انعکاس طبیعی است که با شتاب می رود تا پهنه ایران را بپوشاند.

اما با این حرف این است که دل بستن به این جوشش بی مهارتا چه حد منطقی است؟ آیا این لیزه ها که فاصد طوفان هستند به خودی خود مشکل کشا نیز هستند؟ آیا این موج های کوچک ولو به مواجی گوید شکن تبدیل شوند، امید نجات را کفایت می کنند؟

اهل تاریخ و اهل تجربه و پیشا پیش ملیون ایران با سخاها را آما دهدها رنشد و با قاعدتا "با آدها دهه داشته باشند.

تجربه می گوید این لیزه ها را با آید قبال کرد و میدان دادولی تا در راهی که بایسته است نکل نگیرند، هیچ دردی را دوا



نخواهند کرد. جنبش ها و خیزش های اعتراضی در حکم مواد خام اند که ارزش واقعی آن ها در آخرین قالب ها ظاهر می شود.

خوشبختانه ذهن مردم را واقعیت ها اگرچه تلخ و مکرر، صیقل زده اند - تمیز حتی توده با دقت های قبایل ستایشی آمیخته است، بزرگ ها دیگر کسی را نمی فریبند، تجا عت ها گل کرده است ولی آنجا که با ادعا ها رو برو می شوند، بخاطر برهبرای زدام ها و آه های سرپوشیده از مغز خود ما به نمی گذارند و دامن احتیاط را رها نمی کنند و این نکته ایست که ملیون باید آن را موهبتی بشمارند، که کار تشخیص وجهت یا بی وجهت گیری را آن کرده است.

در مردم رفتار فتنه ای فکری بیخ جا باز می کند که تا از دوزخ یک کسالاتی وارداتی نیست و این را هم با بسند استقبال کرد.

مدت ها پیام ها جزا بین نبود که "چه خواهد کرد؟" و حالا می پرسند، "چه می توانیم کرد؟" و این هم بجای خود علامتی از بلوغ است که نشان می دهد مردم همت را به انتظار بر سرش این است که:

آیا در چنین فضا ی بازمه باید به صلیب تعصب ها چها رنخ ما ند؟ مردم به غیرت و همت خود، در عمق خلیاره های آتش، به چاره جوئی کمربسته اند. آیا در این مرحله حساس تلاش برای جستن نقطه های اتصال با بملحت و رسالت ملی گرائی است یا نقطه های اتصال؟ اتفاق بر انهدام فاشیسم دینسی و تالوده ریزی دمکراسی "وقتی که هنوز اولی بر جا است و دومی در عالم ارزوست، اتصال نیروهای ملی را کفایت نمی کند؟

سخن از نیا زا مرواست، مگر کسی خواسته است که آرمان ها و اعتقادات را احتسای سربوش بگذارد؟

این حکم کدام قماش "دمکراسی" است که اگر "دیگری ما را با ورنداشت پس حقیقت را با ورنکرده است؟ و تا یستهی تحمل نیست؟

آیا تجربه ای گذشته، تجربه ای ن روزها که در وجود هیولانی چون خمینی خسدارا جستم و به عمامه شاد خیل بستیم، کافی نیست تا برای مگان لغزش بینش خود اعتراف کنیم؟

ظاهرا "بعضی تفاوتی را هم فراموش کرده اند که در آن زمان با مردمی رانده اند که (خود را روز شا عانه و آشکار به فریب خود قرار می کنند) و حالا از مردمی فاصله می گیرند که به مغز خود بها داده اند. مردمی که بخانه ای اول، یعنی به پیش از آن مرحله ای بازگشته اند که به ورطه "انقلاب و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و جمهوری دمکراتیک و دهیست" از این تحفه های خلق الساعه" بشارت می گرفتند.

آن ها اجرای قانون و عدالت و استقلال را می خواستند، که معطل مانده بود، با پستان بیچید و بیچیده شد و جنم باز کردند و خود را در قفس مردوزخ یافتند. حالا هم همان را که نیمه راه، کم کردند طلب می کنند و طبعاً "دفع مانع را شرط اول می دانند، اگر سبیله های فرسوده را برنگانیم، مدای مردم را می شنوم.

بیدار است هنوز هستند عناصری که همچنان با ساخته های مغز خود تعارف دارند. زمانی حرفی زده اند و حالا روی آن ندارند که بگویند: "نفرستی دست داد" و با دست کم از خود سوال کنند: "از کجا آغا ز کرده و بکجاست رسید ایم؟" - جاسارت آن رانده اند که این "مرغ یک پا" را سربسند و خود را آسوده کنند.

بهر تقدیر آنچه را که با یدیا و رکنیم اینست که:

مردم راه خود را چستند - قافله هم بر راه افتاده است و دیر یا زود به مقصد خواهد رسید، و فردا هیچ منطقی خاصه وقتی این دنیا دنیا تجربه و درس پشت سرمانده است (جدا می هارا ولو به بیبانه ای اختلاف در دیدها و سلیقه ها توجیه نخواهد کرد. یادمان نرود که مردم، حالا اهل خون و پرا تدها، چشم بسته تسلیم نمی شوند که خود حرف ها دارند.

برکناری صیاد شیرازی

واهمه رژیم از ارتش

سرهنگ صیاد شیرازی هم به "شهادی زنده" انقلاب "اسلامی پیوست، او را از فرماندهی نیروی زمینی برداشتند و به جاییش یک سرهنگ دیگر، سرهنگ حسینی سعدی را منصوب کردند. اما بیست و یک سال آن که این سمت را از او بگیرند، یک صدلی در شورای عالی دفاع برایش گذاشتند. سید علی خامنه ای رئیس شورای عالی دفاع، علت آن برکناری را "مسئولیت خطیر" سرهنگ صیاد شیرازی در این شورا قلمداد کرده است. در کشور تا مل است که محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران و صیاد شیرازی فرمانده پیشین نیروی زمینی، همزمان به عضویت در شورای عالی دفاع پذیرفته شدند. واکنش این بر سرش مطرح است که بر محسن رفیق دوست نیز زودی همان خواهد رفت که بر صیاد شیرازی رفتگی است. آیا ملاها می خواهند طبعی را که با ارتش می کنند، با سپاه پاسداران نیز بکنند؟ اگر مسئولیت به اصطلاح "خطیر" عضویت در شورای عالی دفاع چنان است که نمی توان به کار همسای دیگر رسید، پس چرا رئیس آن سید علی خامنه ای در عین حال رئیس جمهوری اسلامی و اما جمعه تهران نیز هست؟ چرا اکبر رفسنجانی، بخور همزمان ریاست مجلس شورای اسلامی و امامت جمعه تهران را نیز عهده دارد؟ محسن رضائی و محسن رفیق دوست یکی فرمانده سپاه پاسداران و دیگری وزیر این سپاه - آیا در شورای عالی دفاع آن "مسئولیت خطیر" را ندارند که می توانند در عین حال به هر دو کار بررسند؟

بسیار سرتیپ تا سعلی ظهیرنژاد، سرهنگ صیاد شیرازی دومین عضو تمام وقت شورای عالی دفاع است. البته معلوم نیست که وی در این شورا چه سمتی دارد که چنان وقت گیر است که مانع از آن می شود که به کارهای دیگر برسد. مگر شورای عالی دفاع هفتاد و چند روز و هر بار چند ساعت جلسه دارد که عضویت در آن به صورت یک "مسئولیت خطیر" در آمده است؟

در واقع به سرهنگ صیاد شیرازی هیچ مسئولیت خطیری ندادند. بلکه او را محترمانه از فرماندهی نیروی زمینی کناره گذاشته اند.

برکناری صیاد شیرازی پیش از همه یک چیز سیاسی را نشان می دهد، و آن اینکه رژیم اسلامی فرماندهان نیروهای مسلح را برای مدتی طولانی در یک سمت باقی نمی گذارد. در ارتش چنین است. در ژاندارمری و شهربانی هم چنین است. رؤسای کلانتری ها، رؤسای شهربانی شهرستان ها، فرماندهان نیروهای ارتش، مدام جایگامی شوند. رژیم همچنان از نیروهای مسلح، بویژه

ارتش، واهمه دارد. سابقه سرهنگ صیاد شیرازی نشان می دهد که یک افسار ارتش، هر قدر هم کدر "خط امام" حرکت کند، چنان که گه گه گاه از این امتیاز برخوردار گردیده در زمان جمع شدن دانشگاه تهران به سخنرانی بپردازد، هرگز از اعتماد حکومت ملاها برخوردار نخواهد شد.

صیاد شیرازی دست "امام" را بوسید و بر دیده نهاد. صیاد شیرازی، نه مانند یک افسروا قعی بلکه مانند یک عضو رژیم، کاسه "امام" را لمسید و در وقت با او با دستان چید. سیری آخوندها را پاک کرد و در سخنرانی ها و مصاحبه ها بین همان لاف ها را دروگزاره ها را گفت که از زبان سلفان حکومت اسلامی می شنوم. با وجود این، سرانجام به همان نجس فرستاده شده که پیش از این قاسمعلی ظهیرنژاد را فرستاده بودند.

صیاد شیرازی اگر یک استثنا کرده باشد، این است که روزی در گزارشی به وزارت دفاع نوشت که پرسنل ارتش نا را قعی است، و حق هم دارد که تا را قعی باشد. زیرا در مقابل سپاه پاسداران خود را در موضع محروم احساس می کند. نوشت که اگر وضع ارتش بر همین منوال ادامه یابد، نا را قعی در ارتش ابعاد دنگران کننده ای خواهد گرفت.

از آن پس رژیم هیچ گامی در جهت رفع نا را قعی ها میان ارتش و سپاه بر نداشت که هیچ، بلکه به شیوه مزورانه، حاس خود به بریدن ناخ و برگ ارتش اقدام داد. نگرانی رژیم از ارتش و نیروهای مسلح چنان است که پروا از این ندارد که در زمان جنگ به سبب تضعیف ارتش همچنان ادا می دهد.

رژیم اگر سر نوشت جنگ را به دست ارتش سپرده بود، مسلما "کشور" پرواز این قدر تلغفات و خسارات نمی دید. ولی میان بین بست جنگ و تقویت ارتش، رژیم همان راه بین بست را ترجیح می دهد. سپاه است جا بجا کردن فرماندهان و رؤسای نیروهای مسلح را به قیمت بی نیات کردن نیروی تدافعی کشور همچنان ادا می دهد. رژیم احساس خطری نمی کند از اینکه یک فرمانده، از هر قماش که می خواهد باشد، در یک سمت ریشه بدهد. برکناری سرهنگ صیاد شیرازی، پس از برکناری ظهیرنژاد، مهمترین تصمیمی است که در ارتش داده شده است. اما این، همان گونه که اولین تغییر نبود، آخرین آن نیز نخواهد بود.

فروش انگشترهای ازدواج

در مورد کنترل نرخ ها، دولت عملا" به بیبودگی نرخ گذاری در شرایطی که رفته رفته اقتصاد به کلی از هم پاشیده است متقاعد شده و نرخ کالاهای کثیرا مصرف به میل گردانندگان با زار خامه گروه "رفیق دوست" دست اندرکاران بنیاد در مسئله میوه و تره بار را از میان می رود. بخش عمده ای از میوه های باغ های "بنیاد" مستقیما" به شیخ نشین ها مادر می گردد. امثال تهرانی ها تنها دوسه هفته هندوانه کا میونی با نرخ کم به خانه بردند و مجددا" با دودر هندوانه به شیخ نشین ها این محصول معروف ایرانی در ردیف کالاهای لوکس در آمد. کیلویی همین حدود است. در یک آمارگیری از تعدادی مغازه میوه فروشی به این نتیجه رسیدیم که میزان بقیه در صفحه ۱۵

کنفرانس مطبوعاتی نهضت مقاومت ملی ایران در آلمان

۶ سال نبرد برای استقرار دموکراسی

بقیه از صفحه ۱

دیکتاتورنوی نعین

دکتر بختیار در طول مبارزات خود، جز در یکا بینه دکتر محمد با دولت های دیگر وقت همکاری نکرد. ولی وقتی در سال ۱۳۵۷ احساس کرد که ملیت و فرهنگ ایران در خطر است، با تاء کید برایین که دیکتاتورنوی نعین مدها بسنستار خطرناک تر از دیکتاتورنوی چکمه است، سمت نخست وزیری را قبول کرد و در مدت ۲۷ روز حکومت خود توانست همه آنچه را که ملت برای آن سالها مبارزه کرده بود، به او بدهد؛ دموکراسی و آزادی، بختیار رفعا لیت احزاب را آزاد کرد، سه روزنامه متغاران و نویسندگان آزادی بیان و قلم داد، ساواک را منحل کرد و مقدمات انتخابات با ت آزادنا پندگنان مجلس را فراهم می آورد که متاسفانه به دلایل ایجاد جو تهدید و آراساب، آسوی تشریون مذهبی موفق نگردیدند (....)

نما بنده نهضت، در قسمتی دیگر راز سخنرانی خود افزود: خمینی درباریس با ریاکاری خاص خود، مردم را برای کسب دموکراسی و عدالت اجتماعی و حفظ استقلال وطن، یعنی همان شعار نهضت مقاومت ملی ایران دعوت می کرد.

حکومت سابق دشمنان خود را در میان جبهی ها و جبهه ملی جستجو میکرد و در مقابل به آخوندکیم مالی می کرد و آن ها را در مساجد آزادی گذاشت. ملاها نیز با استفاده از هسته های تبلیغاتی در مساجد، توانستند در مباحثی آخر، کفه ترازو را به نفع خود به حرکت در آورند. در حالی که جنبش ضد دیکتاتورنوی ایران به هیچ روی جنبشی مذهبی نبود.

نما بنده نهضت، در اینجا به اراکسه بیان کوتاهی از حاصل حکومت آخوندها پرداخت و گفت: ملاها پس از بیروزی، دقیقاً برعکس گفته های خود عمل کردند؛ هزاران

انسان را بدون محاکمه و به طور دسته جمعی تیرباران و یا راهی زندان کردند. زنان را خانه نشین ساختند، زنان ایران اینک حق ندارند حتی رنگ و مدل لباس خود را انتخاب کنند. کودکان را به جبهه های جنگ اعزام داشتند و عملاً از تحصیل محروم کردند. اقلیت های مذهبی و قومی را قلع و قمع کردند و در پی صدور انقلاب خود به کشورهای همسایه بودند که همین باعث آغاز جنگ جمهوری اسلامی و عراق گردید (....) ما حمله عراق به ایران و همچنین دخالت خمینی را در امور داخلی کشورهای همسایه محکوم می کنیم. نما بنده نهضت افزود: ما معتقدیم این جنگ با یه براساس قرار داد الجزایر میان بیایان برسد و طرفین پس از ترک مخاصمه به گفتگو بپردازند.

امروز ۲ میلیون ایرانی شکرک وطن کرده اند، سه میلیون آواره جنگی هستند و قریب سه تا چهار میلیون بیکارند.

دولت جمهوری اسلامی قادر نیست حتی نمیی از بودجه مملکت را تاء مین کند. تورم در حدی است که حتی افراد ثا غل نمیتوانند زندگی خود را توادده شان را تاء مین کنند. جز منشی ملای ثا غل و دست اندکاران رژیم، وعده های باندار و بیسیجی، بقیه مردم ایران نارا قسی هستند و اکثر "مدما ت جبران نا پذیری از رژیم خورده اند. بیسیجی ار روحانیون هم مخالف رژیم هستند.

سیاری از تیات عظام و مراجع تقلید بارها علیه رژیم اعلامیه داده اند و جنگ بین دو کشور مسلمان را محکوم کرده اند.

نما بنده نهضت در قسمت دیگری از سخنرانی خود در کنفرانس مطبوعاتی نهضت در پارلمان آلمان افزود: اکنون تمام ما کوشش می است که مردم ایران را متحد و متشکل سازیم و در امر مبارزه بین اقشار مردم هما هنگی بوجود آوریم. در خارج از ایران سعی داریم با هیئت رژیم را به افکار عمومی جهان بشناسانیم و ایرانیان طرفدار

قربانیان بی دفاع

بقیه از صفحه ۱

سیروان

" فاروق شکری "، گزارشگری که از خیرگزاران فرانسه، در گزارشی که از شهر " حلب " عراق دربار به بمباران منطقه " سیروان " به وسیله جمهوری اسلامی فرستاده است، می نویسد:

اهالی " سیروان " می گویند: این شدیدترین بمبارانی است که ما ظرف ۶ ماه گذشته دیده ایم. سیروان در منطقه کردستان عراق قرار گرفته است و روز چهارشنبه گذشته (۶ اوت) هدف آتشباری شویخانه " دوربرد جمهوری اسلامی قرار گرفت. به گزارش بیما رستان های اطراف، در اسرائیل آتشباری ۸۶ نفرگشته و ۱۲۴ نفر زخمی شدند.

گزارشگر خیرگزاری فرانسه می افزاید: دولت عراق از نمایندگان مطبوعات و دیپلمات های ۶۹ کشور مقیم بغداد دعوت کرد روز جمعه (۸ اوت) از آتشبار گلوله باران این شهر ۶ هزار نفری که در ۱۵ کیلومتری مرز ۶۰ کیلومتری سلیمانیه قرار دارد و اکثر جمعیت آن کتا ورز هستند، دیدار کنند.

فاروق شکری می افزاید: در " سیروان " دیدار کنندگان، ویرانه های متعددی از خانه های غنت و گلی را دیدند که هر یک ۱۲ تا ۱۷ نفر را در خود جای می داد. این خانه ها در اشکله های توپ ویران شده با به آتش کشیده شده بودند. نما بنندگان مطبوعات و دیپلمات ها همچنین بقایای مدرسه ویران شده شهر را دیدند که از جنگ ماه پیش به بنا ها و آوارگان روستا های سرری

حاکمیت ملی را گرد هم آوریم. ما برخلاف گروه های افراطی، با جوب و چسبایی در فکر معرعه کردن دیگران نیستیم، بلکه اصول فکری و عقاید خود را با منطق بیان می کنیم.

نما بنده نهضت اضافه کرد: در جواب سوال شما راجع به نمایندگان ایرانی به آلمان باید بگویم که ما مسائل و مشکلات مالی و اجتماعی شما را درک می کنیم، ولی فراموش نکنید که در زمان حکومت هیتلر و رایش سوم، دو میلیون آلمانی به کشورهای دیگر پناهنده شدند، جوانان ما با خرابی و رفاه مادی به کشورهای آزاد جهان روی نمی آورند. در ایران آن ها حتی از بدبختی ترین حقوق انسانی محرومند. کودکان در ایران به جبهه های جنگ فرستاده شده اند. شاید شما این جنگ را، جنگی بین تنها دو کشور ایران و عراق بدانید، اما ما معتقدیم که این جنگ می تواند در درجه اول به یک جنگ منطقه ای در خاور میانه یا حداقل منطقه خلیج فارس تبدیل شود.

حتی امکان ندارد که بای کشورهای بزرگ به جنگ کشیده شود و ممکن است با شعله ور شدن جاه های نفت در خلیج فارس، بخصوص اقتصاد اروپا در هم بشکند.

نما بنده نهضت در پایان سخنرانی خود، ضمن تشکر از حاضران اعلام کرد:

۱ - از دولت های دموکرات جهان خواستاریم نقض حقوق بشر را در ایران محکوم کنند.

۲ - از کشورهای صنعتی جهان مهرانسه می خواهیم از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و عراق که با عدا د ماه جنگ و تلوانی شدن عمر رژیم خمینی میشود خودداری کنند.

۳ - از سران کشورهای با زار مشترک اروپا انتظار داریم در امر پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی و عراق نقشی فعال تری بعهده بگیرند.

۴ - از کشورهای آلمان که ملت آن اشکرات شوم یک رژیم فاشیستی را با کوشش و پوست خود لمس کرده است می خواهیم تساهل در رابطه خود با جمهوری اسلامی شدید نظر کنند.

۵ - از نمایندگان و سایل ارتباط جمعی که در حقیقت وجدان بیدار جامعه هستند تقاضا داریم تا جنبات رژیم جمهوری اسلامی را بیشتر افشا کنند.

۶ - از جامعه، بزرگان آلمان فدرال انتظار داریم تا از متزگان ایرانی که به خاطر حفظ حیثیت حرفه یزکی با رژیم جمهوری اسلامی در حال مبارزه هستند، دفاع کنند.

بیانیه جهاد اسلامی

با زمان ثروپستی جهاد اسلامی، روز (۹ اوت) آزاد شدن گروگان های فرانسه را به آزاد شدن ثروپست های عرب از زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عربی موکول کرد. وی بطور ضمنی پیشنهاد " تری ویت " نما بنده اسقف کاتولیک، را که روز شنبه (۹ اوت) در نیویورک اعلام گردیده بود رد کرد.

" تری ویت " پیشنهاد کرده بود که مجدداً گفتگو با کلیه گروه های که در لبنان گروگان در اختیار دارند، از سر گرفته شود.

با زمان جهاد اسلامی در بیانیه ای که همراه با عکس " دیوید کابوسمین " یکی از گروگان های آمریکا تری برای روزنامه " لینانی " انگلنار فرستاده نوشته است:

" شما دقیقاً " از درخواست ها و تقاضا های ما با خبرید. بنا بر این چرا به راه حلی جدی دست نمی زنید.

جهاد اسلامی در بیانیه خود خطاب به آنان که می گویند بنا به عمل بشر دوستانه خواهان آزادی گروگان های فرانسه هستید، می گوید: اگر واقعاً خواهان اقدامات بشردوستانه هستید باید چنین اقدامی قبل از این که گروگان های فرانسه آزاد شوند از طریق آزادی مجاهدین ما در زندان های اسرائیل، اروپا و کشورهای عرب صورت گیرد.

جهاد اسلامی در قسمتی دیگر از بیانیه خود بشدت سیاست فرانسو و تحویل اسلحه از سوی این کشور به عراق را مورد انتقاد قرار داده است و می گوید: کسانی که در کنار رمدام حسین رئیس جمهوری عراق قرار گرفته اند، نمی توانند هیچگاه چیزی به بشریت هدیه کنند.

سوریه مرکز تروریسم

نخست وزیر اسرائیل صریحاً " اعلام کرد: سوریه بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه است.

به نوشته روزنامه تلوموند جاب بارین، شیمون پروزنکس وزیر اسرائیل طی سخنانی که در صومعه سه ملی مطالعات استراتژیک در اسرائیل ایراد کرد، مستقیماً دمشق را مسئول دو اقدام به بمب گذاری در هواپیما های شرکت آوری کرد که طی این دو اقدام ثروپستی قرار بود بر او روز ۱۷ آوریل ال عال از لندن، و پرواز ۲۶ سه شرکت هواپیما ت اسرائیل از اسپانیا در آلمان منفجر شوند.

در مورد اول، بیسی که قرار بود در هواپیما منفجر شود قبل از حمل به داخل هواپیما کشف و خنثی شد، و در اسپانیا بمب گند در چندانی جا سازی شده بود، در محصل بررسی بلیط ها منفجرگشت و ۱۳ نفر را زخمی کرد.

نخست وزیر اسرائیل گفت: سوریه با این اعمال، خود را در معرض خطراتی قرار می دهد که دولت های حاکمی ثروپسم بین المللی و منطقه ای را تهدید می کند، و افزود: تسهیل زیاد ی سازمان های ثروپستی در خاک سوریه مستمر کننده تندروی های سوریه اخیراً " در چند اقدام ثروپستی دیده شده است.

لوموند خاطرنشان می کند که این نخستین باری ست که نخست وزیر اسرائیل، چنین صریح و آشکاراً سوریه را مسئول بمب گذاری در هواپیما های اسرائیل می داند.

در زمان وقوع این حوادث، با آن که وزیر دفاع اسرائیل، اسحق رابین، سوریه را مسئول این وقایع دانسته بود، اما شیمون پروزران زمان لحنی معتدل نسبت به سوریه در پیش گرفته بود.

شیمون پروز، در سخنرانی خود افزود: " سوریه علیرغم همه تکذیب ها و ردگم کردن ها بیش همتان بزرگترین مرکز تروریسم در خاور میانه با قسی مانده است.

روزنامه تلوموند - ۹ اوت ۱۹۸۶

با آوری می کنیم که با سرعفات رئیس سازمان آزادی بخش فلسطین نیز به شنبه گذشته (۹ اوت) در بغداد اعلام کرد چنانچه دولت فرانسه تقاضا کند آ داده است برای آزادی اختن گروگان های فرانسه دست به اقدام بزند.

خبرگزاری فرانسه - ۱۰ اوت ۱۹۸۶

در اردوگاه های ترکیه:

پناهنده گان ایرانی و عراقی

اینجا کمپ پناهنده گان در محله " آجی با داما سنا نیول " است که حدود دو بیست و پنجاه نفر پناهنده ز کشورهای ایران، عراق، افغانستان، شوروی، رومانی و مجارستان می کنند. پناهنده گان ایرانی بعد از سال ۱۹۷۹ رفته رفته بیشتر شده اند. کشورهای که این پناهنده گان ما میل اند در رجه اول به آنجا بروند عبارتند از: آمریکا، کانادا، استرالیا در غیر این صورت پناهنده گان ما بل اندیشوهای شمال اروپا پناهنده شوند. کارهای اداری فوراً لایته پناهنده گان بطور متوسط ۶ الی ۱۲ ماه طول می کشد ولی استثنائاتی نیز موجود است، بعضی ها هستند که حدود دو سال است در کمپ زندگی می کنند ولی هنوز وادیده ورود برای کشوری دریافت نگرداده اند.

پناهنده خواهان را ماه تحصیلی می باشند که در کشور خود از آن محروم شده اند. پناهنده گان ایرانی و عراقی علیرغم جنگ کشوری در کمال حسن تفاهم کنار هم زندگی می کنند. یک جوان ۱۷ ساله ایرانی که جواب این سوال کرد: وقت خود را چگونه می گذرانید؟ می گوید: سعی می کنم کتاب های درسی خود را مطالعه کنم و فعلاً " اکثر اوقات با دوستانم از خاطرات خود صحبت می کنم. تشریف خاطرات گذشته بزرگترین سرگرمی ما است.

مجله بینی گوندم - جاب ترکیه

دکتر رژیم آرا در مصاحبه با رادیو لوکزامبورگ

رژیم خمینی و سوگند نامه بقراط

موضوع اعتصاب پزشکان ایرانی همچنان در رسانه‌های گروهی بین‌المللی مطرح است. در تاریخ ۶ اوت رادیو لوکزامبورگ برننوده‌ترین فرستنده رادیو فرانسه زبان، در برنامه خبری ساعت ۸ با صدای خود در همین زمینه، مصاحبه‌ای با دکتر منوچهر رژیم آرا وزیر بهداشتی که بینه دکترنا یورختیار، عضو پیشین هیئت مدیره نظام پزشکی ایران و استاد دینین دانشکده پزشکی به عمل آورد.

مفسر رادیو لوکزامبورگ ابتدا گفت: نمی‌دانم کلمه "غریب‌زدگی زدانی" وجود دارد یا نه، اما به حال ایران مصاحبه‌ای است که آیت‌الله خمینی در نظردارد برای پزشکان ایران تحویب کند.

پزشکان ایران دیگر نمی‌توانند بدون توجه به احکام اسلامی، به حرفه خود عمل کنند. اکثریت قریب به اتفاق آنان این امر را نپذیرفته‌اند و از ده روز پیش در حال اعتصاب رسمی برند. مفسر رادیو لوکزامبورگ افزود: دکتر رژیم آرا وزیر پیشین بهداشتی که بینه دکتر یورختیار، رهبر هیئت مشاوران ایران، ارتباط خود را با پزشکان ایران حفظ کرده است و اکنون در مصاحبه‌ای با "گریستین مالار" راجع به اوضاع پزشکان ایران سخن می‌گوید.

دکتر رژیم آرا گفت:

مشکلاتی که در ایران برای پزشکان ایجاد شده چند نوع است. نخست این که پزشکان نمی‌توانند اوقاف اسرار حرفه‌ای خود را حفظ کنند. رزمی‌ها و کسانی که پزشکان و جراحان مراجع می‌کنند که مخالف رژیمند. کمیته‌ها و سازمان‌های امنیتی رژیم به پزشکان فشار می‌آورند تا مشخصات این قبیل سازمان‌ها و مجروحان را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

دکتر رژیم آرا افزود: آسوی دیگر انجام وظیفه در حرفه پزشکی در واقع بی‌شمار و در هم ریخته است. ایران بسیار مشکل شده است. از یک طرف جنگ پیدا می‌کند، از طرف دیگر شرایط بهداشتی که حتی در زمان رژیم گذشته عالی از اشکال نبود، بسیار وخیم‌تر شده است.

تا بحال بیش از ۱۰ هزار پزشک ایران را ترک کرده‌اند و هم‌اکنون با احتساب پزشکان پاکستانی و هندی که رژیم استخدام کرده است حداقل ۱۲ هزار پزشک در ایران باقی نمانده‌اند. می‌بینید که شرایط بسیار دشوار است به این مشکلات باید کمبود و بی‌تجهیزات پزشکی و کمبود دارو نیز افزود. دکتر منوچهر رژیم آرا در پایان مصاحبه خود با رادیو لوکزامبورگ گفت: پزشکی حرفه‌ای است که برای آن که بتواند بطور مؤثر انجام گیرد احتیاج به آزادی عمل در زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی و حرفه‌ای دارد. و این آن چیزی است که رژیم بشدت با آن مخالفت می‌کند.

مشکلاتی که در ایران برای پزشکان ایجاد شده چند نوع است. نخست این که پزشکان نمی‌توانند اوقاف اسرار حرفه‌ای خود را حفظ کنند. رزمی‌ها و کسانی که پزشکان و جراحان مراجع می‌کنند که مخالف رژیمند. کمیته‌ها و سازمان‌های امنیتی رژیم به پزشکان فشار می‌آورند تا مشخصات این قبیل سازمان‌ها و مجروحان را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

کریستیان مالار، گفت: آقای دکتر رژیم آرا، گفته می‌شود که پزشکان مردد معاینه و معالجه بیماران را ندارند. دکتر رژیم آرا پاسخ داد:

بله، کاملاً صحیح است. بویژه متخصصان مرد بیمارهای زن‌ها حق ندارند با عنوان را مورد معاینه قرار دهند.

کریستیان مالار افزود: خمینی می‌گوید چنانچه پزشکان مرد به معاینه زنان اقدام دهند آن‌ها را به فحشا و فسق و فجور یا عملیات جنسی دسته‌جمعی در بیمارستان‌ها سوق خواهند داد. دکتر رژیم آرا گفت:

چماق علیه

چاقوی جراحی

اعتصاب پزشکان ایران در مطبوعات و رسانه‌های گروهی غرب انعکاس وسیعی یافته است. روز گذشته (۵ اوت) رادیو لوکزامبورگ، یکی از معتبرترین رادیوهای فرانسه زبان اروپا در بخش خبری ساعت ۶ بعد از ظهر خود گزارشی در

گزارش‌های ایران

بقیه از صفحه ۱

گیلان و مازندران مستقیماً به علت کمبود خریدهای برنج وارداتی بود که بخصوص از اول امسال برنج معدودی استان گیلان و مازندران ناگهان از کیلو ۴۵۰ ریال در طی دو ماه به سه کیلو ۷۰۰ ریال افزایش یافت. به اعترا ف روزنامه گیلان چاپ تهران رشد غیرعادی بهای برنج به آنجا رسید که سلف‌خرها محصول آبی برنج را کیلو ۷۰۰ ریال سلف‌خری می‌کردند که مطمئناً با توجه به بهره‌پول - هزینه حمل و نقل و انواع عوارض در آینده نزدیک بهای برنج از مسرور یکپارچا رویال در یک کیلوخواهد گذشت. دولت در روز چهارشنبه چهارم تیرماه علی‌رغم تاخیر و حشمت‌ساک اخیراً رو اطلاعات اعتراضات کرد که ستاد دیسپو اقتصاد برای رسیدگی به مسئله کمبود برنج و نان در دو استان گیلان و مازندران تشکیل جلسه داده است. این اعتراض ضمنی از دولتی که سانسور اخبار و اطلاعات را در برده‌ها پس‌انگیزی دنبال می‌کند عظمت و گستردگی فاجعه را نشان می‌دهد. گرانی برنج سبب شد که مردم این دو استان علی‌رغم عادت

نسبت به تهران سیاست ساکت نگه داشتن تهران از سوی دولت است. دولت بخوبی میداند که با سکوت یک سوم جمعیت فعال ایران در تهران - ایمن غول مهیبی است که در صورت بیداری و تحرک بکسر به عمر تکت با رژیم خاتمه خواهد بخشید. به همین دلیل کلیه امکانات موجود دولت در درجه اول، علی‌رغم معذای دولت که تمام توجهش به روستاهاست، در تهران و حومه متمرکز شده است. کمبودهای از کالاهای ضروری نظیر ما بون - پودر لبا شویی - دارو، چغندر زودتر در شهرستان‌ها آشکار شده بود. در زمینه کمبود گوشت غیر از تنگنای ارزی و عدم قدرت خرید گوشت وارداتی از سوی دولت، صدور هزاران رأس گوسفند به خارج از کشور در برنامه تشویق صادرات است.

گوشت که از اقلام اساسی غذایی مردم ایران است به صورت آزاد در تهران کیلو ۱۴۰۰ ریال و در اغلب شهرستان‌ها از جمله مشهد که یکی از مراکز تولید گوشت و دام است کیلو ۱۶۰۰ ریال عرضه می‌شود. گوشت دولتی که به بهای هر کیلو ۵۷۰ ریال توزیع می‌گردد اکنون به هفته‌ای یکبار توزیع تقلیل یافته و صف‌های طولی به وجود آمده است و گوشت کپنی که بهر نفع در ماه چیزی حدود یک کیلو تعلق می‌گیرد به علت خدانی ارزد، یکی از علل بالاتر بودن نرخ گوشت در شهرستان‌ها

باره اعتصاب و وضع پزشکان ایران بخش کرد.

مفسر خبری رادیو لوکزامبورگ گفت: در ایران خمینی زده، چماق علیه حاقوی جراحی بکار افتاده است. رژیم جمهوری اسلامی اکنون متوجه پزشکان شده است و تحت عنوان لزوم رعایت اصول قرآن به تفسیر خمینی، آن‌ها را مجبور می‌کند به دستوراتی که خلاف حرفه پزشکی است گردن نهند. مثلاً "طبق قانون جدید، پزشکان مرد حق معالجه زنان را ندارند. مفسر رادیو لوکزامبورگ آنگاه از روزنامه نگار معروف فرانسوی کریستیان مالار، که می‌چنان برنامه بود پرسید: نظر شما در این باره چیست؟

کریستیان مالار، گفت: هم‌اکنون ۱۳ هزار پزشک ایرانی علیه حکومت مذهبی روح‌الله خمینی، یعنی دخالت دین در امور مملکتی، بی‌باک خاسته‌اند. این ۱۳ هزار پزشک بخاطر قبول نکردن دستورات خمینی هر لحظه در خطر دستگیری، زندانی شدن و حتی اعدام قرار دارند.

از تاریخ ۲۸ ژوئیه گذشته صدها نفر از آن‌ها از جمله یازده تن اعضاء شورای ملی نظام پزشکی در خانه‌های خود یا بیمارستان‌ها و محل کار، دستگیر شده‌اند. با سدا ران رژیم با ضرب چوب و چماق و حتی با شمشیر برقی، به پزشکان را از مطب خود بیرون کرده‌اند و سپس مطب آن‌ها را تاراج کرده و مدارک آن‌ها و بیرونده‌های بیمار را را به آتش کشیده‌اند. پیام خمینی به پزشکان کاملاً روشن است: "یا اوامر مرا اطاعت کنید یا برای حس و اعدام آماده شوید".

کریستیان مالار در رادیو لوکزامبورگ افزود: خمینی به پزشکان مرد متخصصی سیما ری‌های زن می‌گوید شما دیگر حق ندارید با عنوان را معاینه و معالجه کنید. زیرا این عمل ترویج فساد و تریغی‌زنی به فحشا محسوب می‌شود. از این پس تنها پزشکان زن حق معالجه بیماران زن را دارند. که تلاشی غیرممکن است. خمینی گویا فراموش کرده است که برای ۲۳ میلیون نفر زن ایرانی، یک هزار و نود و شش زن بیشتر وجود ندارد.

از سوی دیگر خمینی از پزشکان می‌خواهد مخالفان رژیم را که برای معالجه‌های آنان مراجعه می‌کنند، به دستگاه‌های امنیتی معرفی کنند. از آن‌ها می‌خواهد که مجازات‌های شرعی قطع انگشت، دست و پا را، در مورد مجرمین اجرا کنند. اما پزشکان ایران در مقابل این خواسته‌ها فریاد مخالفت سر داده‌اند. آن‌ها می‌گویند امور مربوط به پزشکی کاملاً بی‌ارتباط است. ما حاضر نیستیم به نام اسلام خمینی به ترو و سلفی با زگردیم. ما اعتصاب خود را تا بای جان دنبال خواهیم کرد.

آقای منتظری در خطابه معروف خود در برابر روزنامه نگاران خودی که کاملاً از موضع ضعف و نگرانی ایراد کردند در زمینه مصرف گوشت به مردم تذکریدید "با با جان‌تنان نه بخچال و نه فریزر داشتند، فلاسک هم نداشتند، ایمن تشریفات را نداشتند". آقای منتظری ظاهراً "به عقل ناقص خود استفاده از ساده‌ترین دستاورد های عصر صنعتی و تمدن شهرنشینی را" تشریفات "قلم‌داد کرده است.

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

قلمرو خصوصی خوئینی‌ها!

بقیه از صفحه ۱

روز دیگر طبل و دهل موسوی خوئینی‌ها آن را خننی کند. موسوی خوئینی‌ها با اشاره به اعتصاب پزشکان، حرکت اعتراضی اخیر پزشکان را یک حرکت سیاسی به عنوان رودرویی با نظام جمهوری اسلامی توصیف کرد و گفت: ما با این مسئله برخورد جدی می‌کنیم و اینکه صد یادوست پزشکان کشور را چ شوند، برای ما هیچ اهمیتی ندارد.

موسوی خوئینی‌ها ضمن اشاره به مطبوعات جمهوری اسلامی که همیشه یکدخت و رشیه هم است، خواست که روزنامه‌های دولتی که این اطلاعات و جمهوری اسلامی با توجه به کمبود کاغذ یکی شوند و اضافه کرد که روزنامه‌های ما گرفتار خودسانسوری ندهاند و حرفی برای خواندن در روزنامه‌ها موجود نیست. موسوی خوئینی‌ها، عوام‌فریبانه روزنامه‌ها را سرزنس می‌کند که چرا از عملکردهای مراجع و دستگاه‌های جمهوری اسلامی انتقاد نکرده‌اند. چالب اینجاست که روزنامه جمهوری اسلامی چند روز بعد در مقاله خود به دادستان جمهوری اسلامی، شما نخواهد بود! ما انتقاد را هم نکرده‌ایم!" و به خودسانسوری هم نکرده‌ایم!" و به

گفته موسوی خوئینی‌ها ایراد گرفته است که چرا باید روزنامه‌ها یکی شوند، و سلاخه اظهار نظر کرد: آیا چنین پیشنهادی مفهوم این نیست که این روزنامه‌ها اکنون توسط دولت کنترل می‌شوند؟ آیا این متهم کردن دولت به سانسور روزنامه‌ها نیست؟ روزنامه جمهوری اسلامی در همین سرفاقد می‌افزاید: "آقای دادستان کل کشور خوبست بدانند که نویسندگان، خبرنگاران و مسئولان روزنامه جمهوری اسلامی این سخن ایشان را یک اهان‌ت آشکاره خود تلقی می‌کنند و انتظار دارند ایشان ضمن آنکه احترام به تصحیح اظهارات خود می‌کنند، از این پس بجای این گونه اظهار نظرها وقت گرانمای خود را صرف رسیدگی به اوضاع نه چندان خوب کشور قضائیه کنند که تاکنون بیش از آنکه شاهد عمل باشد، شاهد شعرا ریس بوده است..."

سقوط یک میراث برفراز اصفهان

یک فروند هواپیمای متجاوز عراقی از نوع میراث صبح امروز برفراز منطقه اصفهان هدف قرار گرفت و سرنگون شد. مقامات نیروی هوایی کشور ضمن ضمن تأیید این خبر اعلام کردند تلاش برای یافتن لاشه هواپیمای استفاده از هلی کوپتر در منطقه آغاز شده است. بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی صبح امروز (۱۱ اوت) چند هواپیمای متجاوز عراقی به آسمان منطقه اصفهان تجاوز کرده و یک واحد صنعتی در حومه این شهر را بمباران کردند. در جریان این بمباران همپاران ضمن وارد شدن خسارات جزئی یک آتش سوزی روی داد که بلافاصله توسط مأمورین آتش نشانی مهار شد. در جریان این حمله دو تن از هموطنانمان شهید و شاد شده‌تن نیز مجروح شدند. براساس این گزارش یک فروند از ایمن هواپیمای متجاوز عراقی از نوع میراث بهنگام ترک آسمان منطقه هدف آتش پرجم بداند مستقر در منطقه قرار گرفت و سرنگون شد. از سرنوشت خلبان این هواپیمای عراقی تاکنون اطلاعی نرسیده است.

رادیو جمهوری اسلامی - ۱۱ اوت



ریگان نفوذ ناپذیر

بخشی از روزنامه نگاران آمریکا بی‌آفتاب ریگان را "رئیس جمهور نفوذ ناپذیر" لقب داده اند. ریگان، این لقب را بیهوده کسب نکرده است، چرا که در واقع، هیچ چیزی او را تحت نفوذ قرار نمی دهد، نه تهدیدهای اخیرها یا سلامی که مرگ را گدازد، نه گروگان اسیر در لبنان بگردش در آورده اند، نه نوار ویدئوی ترحم انگریز یکی از گروگانها که گشیش "لاورنس جنگو" گروگان آزاد شده با خود آورده و اخیراً از تلویزیون بخش شده است، و نه تقاضاهای و درخواست های مهران و مکرخویشیان گروگان ها و نمایندگان کنکره.

لوما تن می نویسد:

هیئت حاکمه آمریکا همچون تغییر بی نظیر ریاحی معامله ای می رویم، و نه استیازی می دهیم.

پیام شفا می روز جمعه ریگان به گروگان گیران، صریح و خالصی از هرگونه سازشی بود.

ریگان در ملاقات با پدر جنگو در کاخ سفید صریحاً "بدوی گفت که برای آزادی گروگان ها همچنان نرسد خداوند دعا خواهد کرد"، اما او مسئولیت هر عقوبتی را که از این سازش ناپذیری حاصل آید از عهده خود ساقط کرده است، او در طی یک سخنرانی گفته است: "من به نام صلح و عدالت اعلام

می کنم که اکنون زمان آن رسیده است که به کارگروگان گیران و حامیان آنان پایان داده شود." این گفته نشان دهنده موضع محکم و نفوذ ناپذیری از مقامات حاکمه آمریکا می است. رونالد ریگان و دستیارانش، بدست یا به نا درست برای عقیده اند که حل مسئله گروگان ها به دست سوریه و برزیل نیست حافظ اسد است. سوریه می تواند با استفاده از امکانات خود چها سلامی را تحت فشار ریگان و گروگان های آمریکا را آزاد سازد.

پدر جنگو که خود آورنده پیام جهاد اسلامی برای ریگان بوده است، و کاخ سفید، محتوای پیام مزبور را هنوز فاش نکرده اند.

مضمون این پیام ظاهراً "با بدنا کیدی دوباره بردخواست های گروگان گیران و نوعی تکرار آخرین هشدار" باشد که گروگان گیران روز شنبه در لبنان اعلام داشتند.

از نظر همکاران ریگان، آزادی سازی پدر لاورنس جنگو نشانه کوتاه آمدن گروگان گیران است که خواهسته اند با آزادی وی و یاداعای انگیزه های "انسان دوستانه" حفظ هر کنند...

لوما تن - ۵ اوت

تهران - مسکو

سفر یک هیأت ایرانی به شوروی

به گزارش خبرگزاری تاس یک هیأت نمایندگی جمهوری اسلامی به سرپرستی جواد لاریجانی، معاون وزارت امور خارجه در امور اقتصادی و بین المللی روز یکشنبه سوم اوت برای انجام یک بازدید رسمی وارد مسکو شد.

به گفته خبرگزاری تاس این بازدید به منظور ایجاد توافق های مشترک و مشورت درباره مسائل بین المللی و مذاکره درباره روابط اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی، انجام شده است.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی در این زمینه می نویسد:

مقامات شوروی از زمان سقوط شاه تاکنون همواره میل داشته اند که علی رغم اعلام ممنوعیت فعالیت های حزب توده از سوی رژیم امام خمینی، روابط خود را با این رژیم حفظ کنند.

ماه فوریه گذشته نیز آقای گشورگسکی کورنینکو، معاون اول وزارت امور خارجه اتحاد شوروی بازدید از ایران بعمل آورده بود.

مقامات کرملین در عین حال میل ندارند در جنگ ایران و عراق نقش شرکتی داشته باشند.

روزنامه ایروستیا، ارگان دولتی شوروی بتا زگی در این باره نوشته است: "این جنگ نه به سود ایران و نه به نفع عراق است، بلکه تنها وحدت نیروهای ضد امپریالیستی را از میان می برد و برافتنما در کشورهای شرقی منفی دارد."

خبرگزاری فرانسه می نویسد:

اتحاد شوروی به عراق اسلحه می دهد ولی کمک های نظامی خود را به رژیم

تهران که به ویژه به صورت تریبیست خلبان های جنگی است، در برده نگاه می دارد. بنظر می رسد که نگرانی مسکو در مورد دخالت های جمهوری اسلامی در امور داخلی افغانستان که این روزها وسعت یافته است، بیش از پیش شدت گرفته است.

از سوی دیگر، سخنگوی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی روز دوشنبه چهارم اوت در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو اعلام کرد که دو کشور موافقت کرده اند تا تکنیسین های شوروی که سه سال گذشته به دلیل خطرهای ناشی از جنگ ایران و عراق، ایران را ترک گفته بودند، به این کشور بازگردند. آقای لاریجانی در این سفر با گرومیکورنیکس جمهوری و شوارنزه وزیر امور خارجه شوروی دیدار و گفتگو کرده است.

خبرگزاری فرانسه - ۴ اوت ۱۹۸۶

تلخن خبری

همسپهان عزیز!

هر روز تلخن خبری بهشت مفت و بی ادبی ایران از ساعت ۱۱ صبح شمارا در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

شماره تلفن: ۸۵-۸۵-۲۶-۲۲ پاریس

واقع بینی

بدنبال اظهارات هاشمی رفسنجانی به غلامرضا حدادی کاردار جمهوری اسلامی در فرانسه، مبنی بر این که "فرانسه چنانچه خواستار بهبود روابط با جمهوری اسلامی است باید واقع بین تر باشد"، روزنامه لوماتن چاپ پاریس نوشت:

آیا با ردیگر عادی شدن روابط فرانسه و جمهوری اسلامی درین بست قرار گرفته است؟ آیا سخنان هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که به عنوان مرد شماره ۲ ایران از او نام برده می شود مبنی بر این که فرانسه باید "واقع بین تر باشد" ناشی از اختلافات متعددی است که در باره "مذاکرات تهران - پاریس" بین سران جمهوری اسلامی وجود دارد یا وی قصد داشته است با این سخنان به رهبران فرانسه هشدار دهد که وضع مذاکرات از نظر جمهوری اسلامی رضایت بخش نیست؟

لوما تن می نویسد: سخنان رفسنجانی یک هفته بعد از سفر هیئت فرانسوی به تهران برای مذاکره درباره اختلافات مالی دو کشور ظاهر می شود. بنا بر این پیداست که پنج بار دیدار در ۸ ماه گذشته و سفر علی رضا میری معاون نخست وزیر جمهوری اسلامی به فرانسه، نتوانسته است هنوز راه حلی برای با زبردت و امت وام یک میلیارد دلاری ایران بیابد.

دولت نیراک، بمنظور عادی سازی روابط با جمهوری اسلامی، مجاهدین را روانه عراق کرده اند که بعد دو گروگان فرانسوی در لبنان آزاد شدند، اما هنوز مسائل متعددی بین دو کشور وجود دارد. از جمله مسئله فروش اسلحه فرانسوی به عراق و مسئله آزادی "نسی نقاش" رئیس تروریست ها می که قصد داشتند تا بیوریکتار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران را به قتل برسانند.

لوما تن - ۵ اوت ۱۹۸۶

اجناس و یک

توافق غافلگیر کننده

سیزده کشور عضو ایک سرانجام روز ۴ اوت پس از ۸ روز مذاکرات مشکل و پیچیده توافق کردند که برای جلوگیری از کاهش بهای نفت، به مدت دو ماه تولید خود را کاهش دهند.

بر اساس این موافقتنامه تولید کل ایک که به ۳۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود، به ۱۵ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش خواهد یافت. به گفته منابع نزدیک به ایک عراقی خارج از موافقتنامه فعلی قرار داد دو مجبور نیست سهمیه تولید سابق خود را که معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز بود رعایت کنند. در این حال غلامرضا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی گفت: "با وجود این عراق نمی تواند بیش از سقف کل ایک تولید کند، زیرا ما خود، تولید نفت عراق را کنترل خواهیم کرد." وی توضیح داد که چگونه تولید نفت عراق را کنترل خواهد کرد. سهمیه تولید نفت ایران بر اساس این موافقتنامه ۴ میلیون و سیصد هزار بشکه در روز تعیین شده است. چنانچه عراق همچنان سطح تولید فعلی خود را که معادل یک میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز است حفظ کند تولید کل ایک به حدود ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه می رسد که با از تولید قبلی روزی ۲۰ میلیون بشکه کمتر است.

قبل از اعلام موافقتنامه مذکور، به بهای نفت خام تکراس بیش از ۱۵ درصد افزوده شد و به بشکه ای ۱۳ دلار و ۴۹ سنت رسید.

خبرگزاری فرانسه - ۵ اوت ۱۹۸۶

افزایش بهای نفت

بدنبال موافقتنامه کشورهای عضو ایک در ژانویه مبنی بر کاهش تولید نفت خود، بهای نفت "سرنس" دریای شمال، صبح سه شنبه ۵ اوت در لندن بطور محسوسی افزایش یافت و از ۱۰ دلار در تاریخ ۴ اوت به بشکه ۱۲ دلار برای تحویل در ماه ستا می رسید.

قبل از کنفرانس ژنو، در تاریخ ۲۳ ژوئیه بهای نفت برنت به پایین ترین حد خود از زمان استخراج آن یعنی، بشکه ای ۸ دلار و ۵۰ سنت رسیده بود.

در باره ژانویه یورک در آخر وقت روز سهجم اوت بهای نفت که تا کنون بالاتر شده بود قدری کاهش یافت. بهای نفت "وست تکراس" که معیار رسمی نفت در آمریکا است با مداد روز پنججم اوت به ۱۵ دلار و ۵۰ سنت رسید اما آخر وقت همین روز با اندکی کاهش ۱۵ دلار و ۴۰ سنت معامله شد. بسیاری از کارکنان نفتی معتقدند دوران نفت زیربشکه ای ده دلار "فقط" سبزی شده است.

کارکنان یکی از موسسات پیت بیسی بهای نفت در نیویورک اظهار داشت تا قبل از پایان سال جاری بهای نفت حدوداً "بشکه ای ۲۰ دلار خواهد رسید."

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

مواضع شرق و غرب

شرق و غرب از جمهوری اسلامی و عراق خواستند که هر چه زودتر به جنگ خلیج فارس پایان دهند.

روز گذشته ۵ اوت ایالات متحده از جمهوری اسلامی خواست تا دست از جنگ بردارد. ایالات متحده از سیاست منفی جمهوری اسلامی به درخواست صلح بغداد که روز شنبه ۴ اوت در نامه سرگشاده حدام حسین خطاب به رهبران رژیم تهران عرضه شده بود، اظهار تاسف کرد.

چارلز ردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت: "ما خواستار راه حلی صلح آمیز برای پایان دادن به جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق هستیم.

مخالفت رژیم تهران با تقاضای صلح اخیر حدام حسین نشان دهنده آشتی ناپذیری این رژیم در این جنگ است.

وی افزود که: ما همچنان امیدواریم که جمهوری اسلامی درباره ادامه دادن به جنگی که تاکنون برای هر دو کشور سخت گران تمام شده است، تجدینظر کنند.

یادآوری می شود که رژیم تهران بهینها صلح حدام حسین را رد کرد و تاکید کرده که تا سرنگونی رژیم وی جنگ ادامه خواهد داشت.

روز گذشته ۵ اوت انگلستان به نام با زارمنترک اروپا که خود ریاست آن را بر عهده دارد، از جمهوری اسلامی و عراق خواست تا مانع گسترش جنگی شوند که ۶ سال است ادامه دارد.

بنابر اطلاعیه با زارمنترک، "۱۲ کشور عضو زارمنترک اروپا از افزایش تعداد دوشدت حملات دور رژیم جمهوری اسلامی و عراق به یکدیگر و بیرون بردن در مناطق مسکونی و شهرها سخت نگران اند. با زارمنترک از دو طرف خواسته است تا حملات کور خود را به شهرها پایان دهند و هر چه زودتر از خونریزی موجود دست بردارند.

خبرگزاری فرانسه - ۶ اوت ۱۹۸۶

رادیو ایران ساعت های پخش برنامه

برنامه اول

ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۴۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه رادیوهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۵ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۵۸۵ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۲۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم

ساعت ۶ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه رادیوهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتاه رادیوهای ۳۱ متر (فرکانس ۹۴۰۰ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

فرهنگ ایران

افشین و بودلف

دکتر محمد جعفر نجیب

داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

گفتم : اللاله یا امیرالمؤمنین که این خونی است ناحق ... گفت همچنین است که تومی گویی ... اما کار از دست من شده است که افشین دوش دست من گرفته است و عهد کرده ام به سوگندهای گران کسسه او را از دست افشین نستانم و فرمایم (= دستور ندهم) که او را بستانند . گفتم : یا امیرالمؤمنین این درد را درمان چیست ؟ گفت : جز آن نشناسم که تو هم اکنون نزدیک افشین روی ... و به تضرع و زاری بستان این کار را زشوی ، چنان که البته به قلیل و کثرت از من هیچ بیگانه می ندهی تا مگر (= شاید) حرمت تو نگاه دارد و دست از بودلف بدارد و وی را بشاید نکند ... پس اگر شفا عت شو رد کند ، قضا کار خود بگرد و هیچ درمان نیست .

احمد گفت : من چون از خلیفه این بشنوم عقل از من زایل شد و با زکشم و برنشانم (= سوارا سب شدم) و تنی چند از کسان من که رسیده بودند با خود بردم ، و اسب تا ختن گرفتم چنان که ندانستم که در زمینم یا در آسمان و روز نزدیک بود اندیشیدم که میباید من دیرتر رسم و بودلف را آورده باشند و کشته ... چون به درستی افشین رسیدم حاجان وی به عجله پیش من دویدند بر عادت گذشته ، و ندانستند که مرا به عذری باز بیا بگردانند که افشین را سخت ناخوش آید در چنان وقت آمدن من ... مرا به سرای فرود آوردند ... و من قوم خویش را گفتم تا به دهل زینت بند و گوش به آواز من دارند .

چون میان سرای رسیدم ، یافتم افشین را بر گوشه ای (= بالای مجلس) نشسته ، و نطقی (بساط جرمین که برای کشتن محکومان به کار می رفته) پیش وی فرود نموده ، با زکشیده ، و بودلف به نلوار ، و چشم بسته آن جا بنشاند ، و سیاف (= جلاد) منتظر آن که بگوید : ده (= بکش) تا سرش ببیند زد .

چون چشم افشین بر من افتاد ... از خشم زرد و سرخ شد و برگ ها از گردنش برخاست ، عادت من با وی چنان بود که چون نزدیک وی شدم ، برابر آندی ، و سر فرود آوردی چنان که سرش به سینه من رسیدی ، این روز از جای برخاست و توهین بزرگ کرد ... من از آن نیندیشیدم ... و بوسه بر روی وی دادم و بنشانم ... در من تنگتر است . من بر آن سیر کردم و جدبش بیوستم (= سخن گفتم) تا او را بدان متحول کنم میباید که سیاف را گوید شمشیر بران ، البته سبوی من تنگتر است ... از طرزی دیگر سخن پیوستم ستودن عمر را که این مرد کار ایشان بود ، و عجم را شرف بر عسر و نجا دم ، هر چند دانستم که اندران گناه بزرگ است ... سخن شنید ... گفتم یا امیر خدای تو کنان ، من از بر قاسم عیسی (= ابودلف) آدمم ... تا وی را به من بختی ... به خشم گفت : بنیخست و بنیخستم که وی را امیرالمؤمنین به من داده است و دوش سوگند خورده که در با وی سخن نکویند تا هر چه خواهم کنم ... من با خود گفتم : یا احمد ، سخن تودر شرق و غرب روان است و توا ز چنین سگی استخفاف (= سبک کردن) کنی ؟ باز دل خویش کردم که هر خوارگی که پیش آید بیاید کشید از بر بودلف را ...

برخاستم و سرش را بیوسیدم و بی تواری کردم ، سود داشت ، با رد بگریختش سوسه دادم ، اجابت نکرد ، و با زبده شش آدمم و بوسه دادم ، و دیدم که آهنگ زانوسه دارم تا بیوسم ، از آن پس به خشم مرا گفتم : تا کی از این خواهی بود ؟ به خدای که اگر هزار بار زمین را بیوسی هیچ سود ندارد ...

دل تنگی و خشمی سوز من شفاف و با خود گفتم : این چنین مرداری و نسیم کافری بر من چنین استخفاف می کند ... مرا چرا با بد کشید ؟ از بهر این آزاد مرد بودلف خطری نکنم ، هر چه با دایم ، و روادارم که ... به من هر بلایی رسد ، پس گفتم :

ای امیر ، مرا آزاد سردی آنچه مذگفتم و کردم و شوهرت من نگاه نداشتی ، و دانی که خلیفه و بزرگان درگاه وی ، چه بزرگ تروچه خرد ترا ز تو مرا حرمت دارند ، سیاس خدای را که تورا منت در گردن من حاصل شد ، اکنون پیغام امیرالمؤمنین منین بشنو : می فرماید که قاسم عیسی را کشتی و تضرع کن و هم اکنون به خانه باز فرست که دست تو از وی کوتاه است و اگر او را بکشی تورا بدل وی قصاب کنم !

چون افشین این سخن شنید لرزه بر اندام او افتاد ... و گفت : این پیغام خداوند به حقیقت می گزارد ؟ گفتم : آری ، هرگز شنیده ای که فرمان هراسی او را برگردانیده ام ؟ و آواز دادم قوم خویش را که در آید ، مردی سی و چهل در آمدند . ایشان را گفتم : گسواه یا شید که من پیغام امیرالمؤمنین منین منتم می گزارم بر این امیرالمؤمنین افشین ، که می گوید : بودلف

وی گاه در ضمن تاریخ ، برای تنوع ، یا عبرت گرفتن خواننده یا پند و اندرز ، یا اظهار ره خویش ، از حوادث روزگاران گذشته ، به مناسبت موقع داستانی را نقل می کند . وی به دستا و پیراهایی از این گونه " که کتاب ، خاصه تاریخ ، با چنین چیزها خوش باشد ، که از سخن سخن می شکافد تا خواننده گرا شادان سازد ... " بنا هنرمندی و مهارتی خاص خویش به منتهی آری داستانی می پردازد و پس از شرح آن با زبیر " تاریخ را ندان خویش می رود . آنچه برای خوانندگان گسواهی برگزیده ایم یکی از همین داستان ها ، " حکایت افشین و خلاص یافتن بودلف از وی " است . این داستان شاه زاده ای است از نواحی دوردست خاور ایران ، از نواحی سغد و سمرقند ، از محلی که آن را اسروخته گویند . وی از دوست به دشمن روی آورد و وقتی تمام سرداران عرب از مقابل با خرم دینان و سواران رسیدن با یک عاجز آمدند ، وی از جاه طلبی و به سواری دست یافتن به مال و مقام در برابر خرم ، دستگیری با یک رابره عده گرفت و به آذربایجان رفت و ... شاید با فراموشی خود به صورت دوستی متفق - با یک را دستگیر کرد و به بند آورد و به دست جلا سیرد . به گفتم سبقتی آن روز افشین چون از جنگ با یک خرم دین فارغ شد " وقتش برآمد و به بنداد رسید ، منتقم ... فرمود ... چنان با یکدیگر چون افشین به درگاه آید همگان او را از اسب پیاده شونده و در پیش او بروند تا آن گاه که به من رسید . " و وزیر منتم حسن سهل با آن بزرگی که او را بود در کباب و بیاده بی آمدن جیش او را دید که می رفت و پای های افشین در هم می آویخت ، بگریست و حسن نید و چیزی نگفت . اما دشمن هرگز دوست نشود . سخن خلیفه را در حلق افشین در این داستان خواند . اما آنچه در این داستان نیامده این است که افشین سرانجام مزد این خدمت را از خلیفه گرفت . او را به تنگت بی دینی و زندقه بودن فرورگرفتند و به خوارگی تمام کشتند . در این داستان مردی عرب نژاد است که خلیفه او را به دست افشین که دشمن خویش او بود باز داده بود . احمد قاضی خلیفه به طرزی شگفت در راهی وی می گوید : در ضمن این داستان نمونه هایی از خصومت و تشاد عرب و عجم و نژاد پرستی عربان ، و شگفت تر از همه ، برتری نهادن بیهقی عرب را بر عجم ، خواهیم دید . اما جالب توجه تر از همه استادی و مهارتی است که بیهقی در پردازش و آرایش منتهی های گرم و پرهیجان و شگفت انگیز این داستان به کار برده است . این داستان و این داستان " افشین و بودلف " .

در طی این گفتارها در مقام رده بندی متن های نشر فارسی از نظر شهرت و محبوبیت گفته بودیم که گلستان سعدی مرتبه نخست و کلیله و دمنه بهرام شاه مقام دوم را دارند و سومین درجه را گروهی از چهار مقاله و مقاله از نظر فصاحت و زیبایی نشر با اثر جلال و میدان خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر بیلوزند ، باری از نظر فرا برداری و اجتماع متن های ادبی طرف هیچ کتابی در میان متن های تاریخی و ادبی طرف نسبت و قابل مقایسه با این اثر گران مایه نیست . کتاب بیهقی دارای بیست و چهار مجلد بوده ، و ظاهراً " مؤلف در پایان عمر توفیق یافته بوده است که تمام تا لفظ این اثر گروه پیکر را به پایان آورد و تمام این ۲۴ جلد در شرح فرمان روایی و تاریخ روزگار حکمرانی سلسله غزنوی است که دوران اوج قدرت ایشان بیش از پنجاه سال ، یعنی روزگار امیری محمود و مسعود نیست و سایر میران این سلسله بسا قوی روزگار خود را به صورت فرمان روایان درجه دوم خراج - گزار و وزیر دست سلجوقیان بوده اند . بیهقی به گفته خود شرح حوادث تاریخی را از سال ۴۰۹ هجری قمری آغاز کرده و به سال ۴۷۰ درگذشته است و اگر تاریخ را تا آخرین سال زندگی خویش نیز داده باشد این ۲۴ جلد مربوط به کمتر از ۶۱ سال خواهد شد . در نتیجه می توان حدس زد که وی در کار نگارش تاریخ خویش تا آن جا که ممکن بوده به ذکر جزئیات حوادث پرداخته و اسناد و مدارک تاریخی ، نامه ها ، عهدنامه ها ، سیغام های کتبی ، نامه های خصوصی به انشاء کاتبان و وزیران و شاهان و منتهی سخنان ایشان را در کتاب خود آورده و گاه حوادث را به قید ساعت و روز و سال و ماه شرح داده است . افسوس که آنچه از این تاریخ بزرگ و سی نظیر و صادقانه در دست داریم ، بخشی از جلد پنجم ، جلد های ششم تا نهم و قسمتی کوتاه از جلد دهم ، یعنی کمتر از پنج جلد است و باقی آن به تاراج حوادث رفته و صفحاتی بسیار رمقور آن ها در کتاب ها و مسدود آرک ادبی و تاریخی بعدی نقل شده است .

این تاریخ بیهقی که در دست ماست از شرح حوادث بین از مگر سلطان محمود (۴۲۱) آغاز می شود و به شکست فاحش بر سر مسعود سلجوقیان در دیندار نقل شده است (۴۲۱) تا آن می یابد . تاریخی که آخرین چاپ آن در ۹۴۵ صفحه در مشهد انتشار یافته است ، شرح حوادثی است که در کمتر از ده سال رخ داده است .

بیهقی در عین حال مورخ بسیار رقیه و امین است ، می گوید تا حد مقدور فقط حوادثی را که خود شاهد آن بوده است شرح دهد ، و خود را نیز عمری در دستگاه دبیرخانه محمود و مسعود و وزیران ایشان گذرانیده است ، و آن را با اسناد و مدارکی که برای نوشتن این تاریخ از ابتدای کار خویش تهیه می کرده ، و رونوشتی از نامه ها برای خود بر می داشته است مورد تأیید قرار دهد . در درجه دوم مطالب را از کسان نقل می کند که به راست گویی و فضل ایشان مطمئن است و مقام هر یک را برای خواننده نیز می نویسد . مثلاً : " و من که این تاریخ پیش گرفته ام ، التزام ... بکرده ام تا آنچه نویسم یا از معاینه (= مشاهده) من است یا از آسماع درست از مردمی شنه (= مطمئن) ، و پیش از این ... کتابی دیدم به خط اسنادا بوریجان ، و او مردی بود در ادب و فضل و هندسه و فلسفه ، که در عصر او ، چون او دیگری نبود ، و به گزارف چیزی ننوشتی ، و این دراز از آن دادم تا مقرر گردد که من در این تاریخ چون (= چگونه) احتیاط می کنم " .

بیهقی می دانده که بیشتر مردم خواستار اسناد هسسا و قصه های پهلای و گزارف و بی پایه اند و عده دوستداران حقیقت بسیار کم است ، با این حال وی برای ایمن گروه اندک ، کتاب می نویسد : " و کتاب همچنان است که هر چه خواننده آید از اخبار که خرد آن را در ننگند ، شنونده آن را با بردارد ، و خردمندان آن را بشنوند و فراموشانند . و بیشتر مردم آندند که باطل منتم را دوست تر دارند ، چون اخبار ریبویری و غول بیایان و کوه و دریا ، که احققی هنگامه سازد (صعرکه بگیرد) و گروهی همچون او (= حقیق) گرد آید و وی گوید در فلان دریا جزیره ای دیدم ، و با صدتن جایی فرود آمدیم در آن جزیره ، و نان پختیم و دیدگ ها نهادیم . چسبون آتش تیز شد و کشتی (= حرارت) بدان زمین رسید از جای برفت ، نگاه کردیم ماهی بود و به فلان کوه چنین چنین چیزها دیدم ، و پیرزنی جسد او مردی را خر کرد ، و با زبیر زنی جا دوگونی او را به روغنی بیندود و تا مردم گشت ، و آنچه بدین مانند ... که خواب آرد نادان را ، چون شب برایشان خوانند ، و آن کسان که سخن راست خواهند تا با بردارند ، ایشان را از نادانیان شمرند ، و سخت اندک است ... ایشان ... و بیهقی برای این گروه اندک می نویسد .



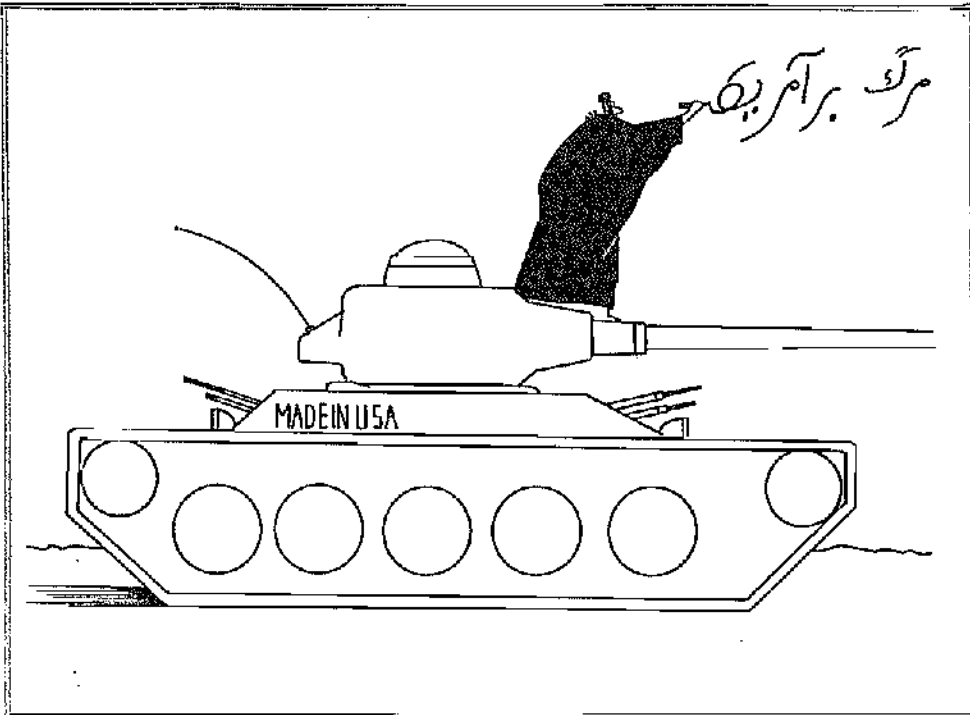
هوشنگ وزیری

آیت الله، امروز خطرناکتر از دیروز

بتا زگی در خبرها بود که ملکه الیزابت در لندن ورونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا دروا شنکتان ، مورد معاینه پزشکی قرار گرفته اند ، در هر دو مورد ، پزشکان اعلامیه صادر کرده مردم را از وضع جسمانی سران کشورها پیشان مطلع کرده اند . مدورا پلامیه های نامبرده مسلمان " برای ارضاء حس کنجک آوی مردم نیست ، بلکه جوا بگوئی به این نیاز و این حق مسلم مردم است که بیدارند آنان که برکشورشان سلطنت یا حکومت می کنند ، تندرس هستند یا نیستند ، آیا می توانند مورسلکت را بدرستی بگردانند یا نمی توانند . مردم می خواهند بدانند ، حق نیز دارند که بدانند ، سرنوشت شان در دست چه کسانی است .

ملکه انگلیس ، هر چند که وظایف بیشتر تشریفاتی دارد ، اگر در یاد کسی نخواهد توانست از عهده تکالیفی که بر اوست ، برآید ، حتما " اصرار نخواهد ورزید که در مقام خود باقی بماند . این واقعیت دربار ره رئیس جمهوری آمریکا بیشتر مادی است . زیرا وقتظ وظایف تشریفاتی ندارد . قدرتی که در دستهای رئیس جمهوری آمریکا متمرکز است ، در هیچ کشور دموکراتیک برای هیچ کس وجود ندارد . ولی قدرت او قدرت مطلق نیست . قانون اساسی آمریکا مکان یک کنترل دموکراتیک را از راه های گوناگون فراهم آورده است . به نحوی که او نمی تواند به هر جا که خواست ، بتازد ، کشورش را به هر سو که خواست ، بکشد . ارگان های قانونگذاری ، دادگستری ، مطبوعات در هر گذر این کنترل دموکراتیک فقط چند نمونه است . برجسته هستند آنچه بر نیکون رئیس جمهوری پیشین آمریکا ، در ماجرای واترگیت رفت ، کافی است تا مرزها و محدودیت های قانونی بالاترین مقام آن کشور به یک معنی نیرومندترین مرد جهان را از اجتناب سببی ، نشان دهد . مثال ملکه الیزابت و رئیس جمهوری آمریکا دومینونه در دو کشور است . و آرزو آنند . اما حتی مردم کشور بورگسلاوی و سرزمین اسپانیا در زمان فرانکو نیز حق داشتند از وضع مزاجی کسانی که بر آن ها حکم می راندند با خبر باشند . بروف جسانی چرنیکو و آندروپوف نیز پرده اسرارچسپدان کلفت نبود که نتوان به پشت آن

هوس های بلند پروازانه خود بود ، می خواست با ارتشی که مرکز با او سازگار نبود ، وسای که با شنا ب سر هم بندی کرده بود ، رویای های چنانگشا با شمش را تحقق بخشد . اما امروز بدان سبب که قوای عقلی و فکریش روز به روز بیشتر تحلیل می رود ، با زیجه دست قدرت هائی نیز شده است که بیشترین سود را از این جنگ خانما نسوز می برند . اگر این بازی تازه ای که در موضوع نفت صورت گرفته است ، کاملاً روشن شود ، آنگاه روشن خواهد شد که او یک نیز به دست خمینی متلاشی شده است . به یاد دارم که برای قانع کردن عربستان سعودی و کویت تا از سقوط آزاد بیهای نفت جلوگیری کنند ، چه ماء موریت ها و مسافرت ها در سطوح گوناگون انجام گرفت . اما این دو کشور را درکننده نفت حرف هیچ یک از دوستان و نزدیکان خود



را گوش نکردند ، بلکه منتظر ماندند تا به پیشنها دغلامرا آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی ، گردن نهند ! عجب نیست ؟ اما آیت الله اگر امروز نیز مانند دیروز نمی تواند پیروزی های بدست آورد ، ولی کمتر از دیروز در تحاق قوای عقلانی خویش است و به همین دلیل امروز به مراتب خطرناک تر از دیروز شده است و فردا نیز از امروز خطرناک تر خواهد شد .

خمینی ، از آن روز که میهن ما را به دامه این جنگ ویرانگر و خونریز گشا نید ، شاید هنوز می دانست چه می کند و به کجا می خواهد برود . ولی گزارش های پزشکی که از منابع مستقل گوناگون به ما می رسد ، حکایت از آن دارد که او را به دردیف بیماران روانی آورد که به مسئولیت کارهای خود ، آگاه نیستند . اگر در میان گروه های حاکم کنونی ، شخصی یا دسته ای وجود داشت که می توانست آیت الله را سر جای خود بنشاند ، شاید می شد در باره راه حلی از درون رژیم بحث کرد . ولی پیدا شدن چنین کسی یا گروهی ناممکن و نامحتمل است . آیت الله خمینی یک روز با زیجه هوا و

بیانیه دانشجویان

هوادار نهضت مقاومت

ما دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران در یک گردهمایی توطئه انحلال سازمان نظام پزشکی ایران و جایگزین ساختن آن با سازمان دیگری تحت نفوذ و کنترل رژیم مرتجع و خدایران آخوندی را محکوم و پشتیبانی خود را از مقاومت و خواسته های برجی پزشکان مدببق و انسان دوست که برای دفاع از حقوق حرفه ای و علمی خود با هیئت حاکمه به مخالفت برخاسته اند اعلام می داریم . " ایران هرگز نخواهد مرد " دانشجویان هوادار نهضت مقاومت ملی ایران - از میر ، ترکیه

حسینعلی مسکن

وای به حال امریکا!

آیت الله خمینی در بهام به حج حاج ایرانی ، خریدار متعده امریکائی را حرام شرعی اعلام کرد و سرپرست حاج طوسی تلگرافی از جده به جماران اطلاع داد که حاج بکصد پیام تاریخی حضرت امام را بیک گفتند و تمیم گرفتند . جنس امریکائی نهرند . چارلی چاپلین در یکی از فیلم هایش تصویری از یک هنریشه تئاتر را کشه می کند که بیرو فرشتودا نام لخمیر شده است و می خواهد همان با زیهائی که زمانی برایش معروفیت و محبوبیت به ارمغان آورده بود دوباره محنته را تسخیر کند ولی نه خودش دیگر آن هنریشه جوان چالاک است و نه با زیها پیش منسل گذشته خریدار دارد ، ازینرو بجای هلله تصین ، خنده های استهزاء و الفاظ توهین آمیز نصیبش می شود . امام خمینی به چنل حال و روز یافتاده است . شمارهای فدا امریکائی آقای امام بدلالی در یک روزگاری همچنان مردم را برمی انگیزد . یکی از آن دلایل جوشده امریکائی حاکم بر جهان سوم ، بخصوص از جنگ ویتنام بهما بینطرف بود . امریکائی ها در جنگ دوم جهانی بمسوان یک نیروی آزادی بخش وارد صحنه شدند و هنگامی که جنگ به پایان رسید جنگگاه های دنیای بعد از جنگ را تحت تاثیر خود قرار دادند زیرا در حالی

بقیه در صفحه ۱۰

نکرد ! " و چند آیت قرآن و اخباریفا مبر علیه السلام بیاوردم . بخندید و گفت : راست همین با است که کردی ، و به خدای ، مزوجل ، سوگند خورم که افشین جان از من نبرد ، که وی مسلمان نیست ! ...

دنیایه قدمورد توجه ما نیست ، بودلف را با عزت و احترام بسیار به خانه احمد می فرستند و حاجب معتمد با خلعت بدان جا می آید و او را با اکرام فراوان به خانه می برد ، افشین نیز ، همان گونه که معتمد سوگند خورده بود ، با همه این خدمات از معتمد جان به سلامت نمی برد . او را به بهانه های واهی دستگیر می کنند و با عقوبت فراوان به قتل می رسانند . اما آنچه هنوز برای ما ایرانیان حل نشده است ، این است که آیا افشین ، با وجود خیانت ها و نا جوانمردی های که کرده بود ، نامسلمان تر است یا معتمد ، که در

زندگی نامه وی نوشته اند وی به راه قوم سوط می رفت (جرمی که در جمهوری اسلامی جزای آن سنگسار کردن است) و برای تفریح و انسا ط خاطر دستسور می داد که گزندگانی چون عقرب و مار را در جاده غلامان و گنیزان زرخیدوی ببیند ازند و از مشا هده دردورنج و تشنج و به خود پیچیدن ایشان لذت می برد ، و پس از آن که این گزندگان خوب آن بسان و دختران معصوم را می دید تمام زهر خود را به جان آنان می ریختند . البته از شرط شفقت و راه فنی که میروم منمان راست دستور می فرمود تا برای حفظ جان ایشان ، تریاقی به آنان بخوراند و طبیعتا بسان خلافت اسلام ، آن بخت برگشتگان را مورد درمان قرار دهند !

در شماره های آینده ، داستان های دیگری از تاریخ کران بیهی را با شما عزیزان در میان خواهیم گذاشت .

افشین و بودلف

داستانی جذاب از تاریخ بیهقی

قاسم را مکش و تعرض مکن و به خانه با زفرست که اگری را بشکشی تو را بدل وی بکشند . پس گفتم ای قاسم ! گفت لبیک (لبی) گفتم تن درست هستی ؟ گفت هستم - کس های خود را نیز گفتم : گواه باشیدن درست است و سلامت است . گفتند : گواهییم ! و من بخشم با زگشتم چون مدفوشی ، و با خود می گفتم : کشتن او را محکم تر کردم ، که اکنون افشین در رسد و امیرالمومنین گوید : من این پیغام ندادم ، باز کرده و قاسم را بکشد ... چون به خادم رسیدم عرق بر من نشسته بود . بار خواستم ، مرا با رخواست و درون رفتم و بنشستم . امیرالمومنین چون مرا دید بر آن حال ، به بزرگی خویش خادمی را بفرمود که عرق از روی من پاک کرد ، و گفت : تو را چه رسید ؟ گفتم ... امروز آنچه بر من رسید در عمر خویش یاد ندارم . در بیفا مسلمانیا که از پلییدی تا مسلمانیا این ها با یدکشید ! گفت : قهرا با زگوی آغاز کردم و آنچه فرفته بود بشرح با زگفتم . چون آن طار رسیدم که بوسه برافشیدم دادم ، آن گاه برکتف ، آن گاه برود دست و آن گاه سوی پا شدم و افشین گفت : " اگر هزار بار زمین بوسه دهی شود ندارد ، قاسم را بخوا هم کشت " افشین را دیدم که از در در آمد با کمروکلاه ... من بفردم و سخن را به بریدم و با خود گفتم : اتفاق بدبین که با امیرالمومنین منبیین گفتم که از توبیغی می کند داده بودی بگزاردم که قاسم را نکند . هم اکنون افشین حدیث پیغام کند که خلیفه گوید که من این پیغام ندادم ، و رسوا شوم و قاسم کشته آید !

اندیشه من این بود ، و ایزد دیگر خواست ، که خلیفه راست درد کرده بود از بوسه دادن من برکتف و دست و آهنگ پای بوس کردن ، و گفتن او که اگر هزار بار بر زمین بوسه دهی سونداردا ! چون افشین بنشست ، بخشم امیرالمومنین را گفتم : خداوند دوش (= دیشب) دست من بر قاسم گشاده کرد ، امروز این پیغام درست است که احمد آورد کسه او را نباید کشت ؟ معتمد گفت : پیغام من است ، و کی تا کی شنیده بودی که احمد از ما ویدران ما پیغام می گزارد ، به کسی ، و نه راست باشد ؟ اگر دوش ، پس از الحاح که کردی ، تو را اجابت کردیم در با با قاسم ، بیاید ا دست که آن مسرد چاگزاده ، خاندان ما است ، بخزد آن بودی کسه او را بخواندی و به جان بروی منت نهادی و او را به خوبی و با خلعت با زخانه فرستادی ، آن گاه آورده کردند بوعبدالله (= احمد) از همه زشت تر بود - ولکن هر کسی آن کند که از اصل و گوهر وی سزد - و عجب ، عرب را چون (چگونه) دوست دارد ، با آنچه بدیشان رسیده است از مشیرونیزه ایشان ؟ بازگرد ، و پس از این هشیا رترو خویشتن داتربیاش ! افشین برخاست ، شکسته و بدست و پای مرده (= نگران و نا راحت) ، و رفت . چون بر رفت معتمد گفت : یا با عبدالله ، چه سون رواداشتی پیغام نداده گزاردن ؟ گفتم : " یا امیرالمومنین ، خون مسلمان ریختن نپسندیدم ، و مرا مزد با شد ، و ایزدتالی بدین دروغم

نامه‌ها و نظرها



حاج تمام یا قسمتی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و همراهی ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاد همه این نوشته‌ها نیست. از نویسندگان نامه‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشانی خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یادآور شوند تا نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

احزاب ملی، پشتوانه دموکراسی

جمعی زبان به دموی معش کشیده‌اند. ای جان فدای آنکه دلش با زبان یکی است.

نویسنده: محترم آقای هادی بهزاد

(...) یک واقعیت این است که محیط دموکراسی در محیط اجتماعی ما بیشتر موضوعی است مخصوص برکزیگان، تحصیل کرده‌ها و ثوابد بیشتر آنهاست که تحت تأثیر سیستم فرهنگی غرب قرار گرفته و اکثر اوقات (نه همیشه و در تمام موارد) جذب مظاهر غربی تمدن غرب شده‌اند. از دنیای زیبا و انسانی و منحصربه‌فرد فرهنگ اجزای خودکام و تحریکات و تحریکات سه هزار سال سرد و گرم زندگی را دارد نه فقط بی خبرمانده حتی در مسواری و گردان نیز نشده‌اند و در حالی که کشور همیشه آزرش تا بنیده و خواهد تا بنیده.

غریب را مثل آفتاب با دانسته‌اند و تقریباً در تمام موارد بدون مراجعه به اساس‌های ریشه‌ای و براساس اشتباهی سخت جانگداز تکنولوژی غرب را با تمدن و انسانیت مخلوط کرده‌اند.

واقعیت دوم این است که در محیط حکومت ملی "ملت ایران مجموعه" آحاد و افرادی است با فرهنگ‌ها و نژادها و زبان‌ها و ادیان مختلف که در اقلیم‌های مختلف و متخاد و فقط در محدوده‌های جغرافیایی و سیاسی سرزمینی به اسم ایران زندگی می‌کنند و هرچند هم در زندگی روزمره و عملی به هم پیرایان درجه‌های و دو... (حدافل از نظر حکومت مرکزی) تقسیم می‌شوند. مثلاً یک هم‌شان به یک اندازه عزت نفس دارند و همه به یکسان به فرهنگ آباء و اجدادی خود دلچسپی و بنا بر این در تکوین حکومت ملی در معنای واقعی باید که این فرهنگ‌ها و شرکت کنند و نتوانند داشته باشند. نه انسان‌ها سرسپرده و از خود بی‌خبری که در ظاهر نما می‌نمایند؛ فرهنگ‌ها و نژادها و ملی در واقع تسلیم خواست‌ها و سیاست‌های غیر انسانی سیستم مرکزی بوده‌اند. چون آنچه در گذشته از دموکراسی نصیب قاطبه اهالی شده است این بوده است که روشنفکران "در تحقیق و باطن" رفاهی خود به صورتی که باید کشیده‌اند و از این رهگذر چیزی قائل نیستند. عوام‌الناس نشده است و بنا بر این اگر حکومت ملی آینده حتی علی‌رغم انتخابات سالم و درست - در همان شکل و شمایل گذشته - به انسانها عرضه شود ضمناً "امیدوار نیستیم که کار به سامان برسد. در این میان خصوصیات نژادی و زبان مادری که عامل سیماریم و اساسی هستند. جا دارد روی آن‌ها تمرکز بیشتری بکنیم. (...)

متأسفانه سفارش در کشور ما در طول سال‌ها در از اولی‌رغم آنکه اعلامیه حقوق بشر خط‌های غیر انسانی فراوانی بر هم وطنان رفته و با اعتقاد به لزوم حفظ یکپارچگی کشور به سه نوا میس بسیار اولیه و انسانی افراد آن قدر بی‌جرمنی شده است که موضوع امروزه به عنوان یک اصل و یک امر عادی و کاملاً "منطقی" تلقی می‌شود. مثلاً اگر کسی صحبت از زبان‌های مادری و نژاد "نچه‌های ملیون" ها انسان بکنند. حالت دفاعی و حتی تهاجمی می‌گیرند و گویند راه‌آنجکه که نشاندیم می‌کنند. اما در عین حال همگان که شیفته تمدن

امید و انرژی بی حد در راه تلاش برای این تمدن مکی تمدنی که در آن تمام افراد کشور از اجرای عدالت اجتماعی و همگانی مطمئن باشند و این چنین است که انسان‌ها در زیر آسمان خود احساس غرور و شخصیت و احترام خواهند کرد و با ورتان خواهند که در شهری که بدان شان را در آنجا خاک کرده‌اند و در میهنی که برای خاطر آن - حداقل به علت مرز نشینی - خون ریخته‌اند شاق نبوده است. شهری که...

کوچه‌های تنگ و تاریک و پرگرد و خاکش همیشه مخلوط با خاطراتشان هستند و سوی خاک خشک آن به تمام شان زیبا تر از هر پاریس دیگری است.

مردم سالاری

در طول جنگ جهانی دوم و قبل از آن و بعد از آن جقدر تا هجا نشانی و مین برستی واقعی در کشورها نشانی بوده‌ام که انسان‌ها در آنجا حرمت و حق و حقوقی واقعی داشتند و حق بی‌سایه بوده است نظاً هرات وطن پرستانه در کشورهایی که انسان‌ها به عنوان یک وظیفه اخلاقی و برپا به بند و اندر زها و بر حسب دستور نظام هر به رئیس برستی به عنوان سبیل مین برستی کرده‌اند. ملاحظه می‌فرمائید که در مین تا زمین ما قبل از ملی گرائی و حکومت ملی نیاز فوری و مبرمی به مردم‌گرائی هست که در آن صورت ملی گرائی خود بخود عملی خواهد شد. این واقعیتی است که حداکثر نتایجی و محبوبیت را رهبران ملی دیده‌اند که مردم گرا بوده‌اند. به احساس‌ها و قلوب انسان‌ها خط سبب کرده‌اند و آن‌ها را بدنبال خود برده‌اند. در این میان موجودیت یک فرد به عنوان سبیل و جدا نیت کورویک شرط این که معتقد یا تدوین‌شده باشد در برابر سرکند خودی صدا نیست که به موضوع اصلی مناقشات ندارد. (...)

در ختم مقال ما دقتاً نه پیشینه‌ای دارم بر اساس شعوری که کاملاً شخصی است. از سه مرحله رشد لازم برای تأمین یک زندگی معمولی در جماعات انسانی یعنی ۱ - رشد جسمانی - ۲ - رشد حرفه‌ای - ۳ - رشد اجتماعی سیاسی نیاز بیشتر هم‌میهنان به شق سوم پیش از آن یکی هاست و توضیح و رشد این مرحله برای ما هاکه سابقه و تجربه‌های در آن به بار نداریم جز دیدن تعلیم در یک کتب سیاسی یعنی یک حزب به دیگری وجود ندارد. جمع شدن چند نفر متعهد و برگزیده برای موفقیت یک ملت کافی نیست. در گذشته شما و همگان را نتوان چندبار رگلسه مند بوده‌اید که چنانچه جوانان "راه‌مصدق" را نمی‌شناسند.

جواب ساده و واقعی این است که کسی با دنان نداده (همان طور که هرگز تاریخ واقعی و سرگذشت درست ملت‌ها را بما یاد ندادند) نه فقط جوانان، بنده، غیر جوان نیز که در تمام عرصه‌های یکبار آن هم برای خاطر همه پرسی صادق به‌بای صندوق رأی رفته‌ام نمی‌دانم که به فرزندم یاد بدهم در حالیکه هنوز فریادهای احساساتی هم‌میهنان در خیابان‌های تهران و نوشی اتوبوس‌ها که شیشه‌ها را می‌شکند در گوشم هست که می‌گفتند: از جان خود گذشتیم یا خون خود نوشیم یا مرگ یا مدق!

گویا در خاطر تاریخی سیاسی خلیل ملکی دیده باشم که وقتی به ایشان یعنی به دکتر مصدق پیشنهاد داده است که با به‌بای سیاسی فعالیت‌های خودشان را در جارجویه آسانا می‌یک حزب سیاسی تدوین کنند. ایشان به علت اینکه خواسته‌اند همگان و نه فقط عده‌ای حزبی در نهضت شرکت کنند، از این کار سر باز زده‌اند. در حالی که اگر این کار می‌شد آن وقت همگان هم جوانان و هم غیر جوانان از اصول "راه‌مصدق" آگاه می‌بودیم و این گله را در مقام روابط فرزند و پدری همیشه از آن مرد محترم داشته‌ام که در این جا بازگو کرده‌ام.

خلاصه آن که عقیده دارم بر نامه‌های یک روش‌سویال دموکراسی به شکل یک حزب باید به تمام ایران نشان عرضه شود. انسان‌ها در مکتب حزب باید تمرین دموکراسی و لزوم جگونی احترام به عقاید دیگران را بیاموزند و بگیرند. به عقیده‌ام این تنها شرط اساسی برای ریزی یک زندگی متعادل در کشور ایران است (...)

کانادا - امضاء محفظ کوتاه شده از نامه مفصل

چرا نامه‌ام را چاپ نمی‌کنید؟

(...) در رابطه با اسلحه‌فروشی دولت اسرائیل و حضور افسران بازنشسته اسرائیلی در ایران مرقومه‌ای تقدیم داشتم که پس از مدت‌ها هنوز ترتیب اثری به آن نداده‌اید. فکر کردم شاید مدارک لازم در این زمینه موجود نیست و به این دلیل نامه‌های حقیر بی‌تأثیر مانده است. بنا بر این مدارک لازم را فتوکپی کرده و تحت عنوان "اسرار زمان مخفی یهود" - اثر ترجمه ژرژ لامبرسون ارسال نمودم که با زهم نامه حقیر تاکنون بی‌جواب مانده است. اکنون ضمن این نامه باز خواهم نمود نامه حقیر را که ماه پیش ارسال داشتم در قسمت نامه‌ها بچاپ برسانید و یا لااقل دلیل به چاپ نرسیدن آن را اعلام فرمائید (...)

با احترام - جها نشید لشکری

قیام ایران:

هموطن عزیز، ملت عدم‌حاج تا به مفصل سما بخشی از ترجمه فارسی کتاب "اسرار سا زمان یهود" نوشته ژرژ لامبرسون، طولانی بودن این نوشته بود که در حوصله صحاحات محدود پیام ایران نمی‌گنجید. یک بار دیگر سعی می‌کنم خوانندگان گرامی در جواب می‌کنم تا نامه‌ها و نوشته‌ها را بجز و مختصر بنویسد و به این ترتیب به ما کمک کند تا هر هفته سما ریشتری ارسال‌ها به چاپ برسد.

کی بود، کی بود؟

تیمسار قره‌باغی در کتاب "بجای آن که واقعیت‌ها را بنویسد بیشتر سعی کرده‌اند مثل کار وکیل مدافع حرفه‌ای حقایق را بیغ خود جلوه دهند (حتماً می‌دانید که ایشان در رشته حقوق تحصیل کرده‌اند) و فراموش کرده‌اند که در نوشتن تاریخ و وقایع با بادی طرف بود و از شخص یا گروه خاصی نباید طرفداری کرد و آن وقت است که نوشته‌ها ارزش و اعتبار پیدا می‌کند. ما نباید بی‌روسی‌های که مرحوم کمروسی دارند. تیمسار قره‌باغی در کتاب مزبور سعی دارند خود را یک چهره ملی شما با نشانند که تنها آرماسی نیک بختی ملت ایران بوده است.

غافل از اینکه از تاریخ سال ۵۷ چند سالی پیشتر نگذشته و همه آن را بیسار دارند و می‌دانند تیمسار قره‌باغی و فردوست کسان می‌بودند که در بحراشی ترسین لحظات بدستور و نزال هویر حتی به ولینعمت‌شان هم خیانت کردند. ایشان وقتی از تاریخ‌های موجود در میان رده‌های با شین ارتش یاد می‌کنند بیشتر است از کردار اشخاصی که در جوج بود آوردن آن تاریخ‌ها را می‌سهم بوده‌اند هم یاد کنند و در این مورد چندان را نیندند و خودشان را بی‌گناه قلم‌مسدود نکنند.

دقیقاً بیاد دارم که کشته‌ام مرحوم در مصاحبه‌ای با دیوید فرانتز از اعمال قره‌باغی اظهار تعجب می‌نمودم که گفت نمی‌توانم این را باور کنم. حالا ایشان می‌خواهند با حمله به سایر رهبران ملی آبروی رفته خود را با زیا بند که تفرمی کنم دیر شده است. اجازه انتشار کتاب ایشان توسط جمهوری خمینی به روشنی نشان دهنده بی اعتباری و کذب حقایق در کتاب ایشان است و روشن می‌کند ازین دهنها کتابی که در خارج از ایران پس از سال ۵۷ نوشته شده کتاب ایشان بیشتر مطابق میل حضرات جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

با تقدیم احترام بزمین مطاعی

تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - کانادا

شهر تورنتو ۴۱۶/۳۶۱۳۴۵۸

فواد روحانی

۳۵

مصدق و نهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست

آب رفته به جوی باز نمیگردد

روز ۲۹ دی هر چند روز معمول تشکیل مجلس نبود و چون دکتر محمدن شقا نا کرده بود که جلسات صبح و عصر تا تعیین تکلیف مسئله اختیارات منعقد شود مجلس تشکیل شد. همه آن روزها هراتی بیرون مجلس با شعارهای "با ترک یا معدق" و "سرک بر منافع فقین" صورت گرفت. در جلسه مجلس سخنرانی هاشمی علیه تصدیق اختیارات ایرادها اعتراضات سابق تکرار شد و دکتر بیرون مجلس ساختگی و هم ذکر نزدیک بودن حل مسئله نفت خلاف حقیقت و برای وادار کردن مجلس به تصویب اختیارات است. ولی نمایندگان جبهه ملی باز کید کردند که تصویب اختیارات به خاطر حل موضوع نفت ضروری است و دکترها بیگان در جواب ایراد مذکور در نامه کاشانی در باره مبادی اختیارات با اصل تفکیک قوا گفت باید متذکر بود که بعضی اصول در مقابل اصل بالاتر خود بخود منتفی می شوند و در این مورد حفظ شرافت و استقلال مملکت از تفکیک قوا مهمتر است. بالاخره در همان جلسه لایحه تصدیق اختیارات دکتر مصدق به مدت یک سال با ۵۱ رای از ۶۶ رای تصویب شد.

روز ۲ بهمن ۱۳۳۱ دکتر مصدق نطقی به وسیله رادیو به منظور تحسین مخالفان دولت و رفع نگرانی آن ها از تصویب اختیارات قانون گذاری ایراد کرد ملاحظه نریزمین او و کاشانی صورت گرفت و به دنبال آن اعلامیه ای منتشر شد دایر بر این که بین رئیس دولت و رئیس مجلس توافق نظر وجود دارد ولی محافل سیاسی این توافق را به عنوان یک توطئه تلقی کردند. در واقع سیزه با این یافتن موضوع اختیارات نه به اختلاف بین دکتر مصدق و کاشانی خاتمه داد و نه به تفرقه ای که در داخل فراکسیون نهضت ملی ایجاد شده بود گاست. به طوری که بعد گفتند خواهش این تفرقه و بخصوص جدا شدن کاشانی و بقای و مکی و حائریزاده و هواخواهان آن ها از دکتر مصدق تا شیر مستقیم در سقوط حکومت جبهه ملی دانست.

در سازمان بین المللی کار

در چهارمین اجلاس هیئت امین کمیسیون (از ۲۲ مهر تا ۳ آبان ۱۳۳۱) که در رومبه شهر لاهه تشکیل شد مسئله اختلاف نفت ایران و انگلستان به عنوان یکی از رویدادهای مهم صنعت نفت مطرح گردید. سازمان بین المللی کار که یکی از تشکیلات اختتامی سازمان ملل است در مورد بعضی صنایع عمده (از جمله نفت) فقط از لحاظ روابط کار و کارگر و فرما صلاحیت بحث و مطالعه دارد. ولی در دستور اجلاس مورد بحث مسئله نفت ایران به صورت کلی ذکر شده و یک بخش به شرح آن اختصاص داده شده بود که طبق اطلاع اولیه به دولت ایران شرکت سابق آن را تهیه کرده بود.

طرح مسئله روابط کار و کارگر فرما در صنعت نفت ایران از سازمان بین المللی کار سابقه داشت. به این معنی که در دومین اجلاس کمیسیون نفت سازمان در سال ۱۳۲۷ هیئت نمایندگان ایران شرحی در باره عدم توجه شرکت نفت انگلیس به حقوق و منافع کارگران اظهار رودخواست کرده که سازمان میسیون بیرون رسیدگی به این موضوع به ایران اعزام نماید. دفتر بین المللی کار میسیون مرکب از سه نفر از اعضای خود (یک انگلیسی، یک آلمانی و یک ایرانی) در دی ماه ۱۳۲۸ به ایران فرستاد. این میسیون پس از سه هفته توقف در خوزستان به ژنرال جمع کرد و گزارش میسوی تهیه نمود که در موضوع شرایط کار روززدگی کارگران ایرانی شرکت اظهار نظر می کرد. یعنی طرز

استخدام، میزان دستمزد، ساعات کار، تعطیل بنا استفاده حقوق، انضباط، خاتمه دادن به کار، بیمه های اجتناب، امنیت، مسکن، تاه مین خوابگاه، بهداشت، آموزشی، تشکیلات اتحادیه های ورسدگی به شکایات و شرح می داد. این گزارش بصورت یک گزارش اسناد رسمی سازمان بین المللی کار راجع و منتشر شد (۲) گزارش هرچند تا حدی به کمیته های می نمود ولی آنها را نتیجه اوضاع بعد از جنگ قلمداد می کردند و هیچ مورد قصوری از وضعیت نسبی نمی داد. بلکه گوئی یک لایحه دفاعی از موقعیت شرکت بود. این گزارش در سومین اجلاس کمیسیون (۱۹۵۰) مطرح شد ولی از طرف هیئت نمایندگان ایران ایرادی به محتویات آن مطرح نشد و مثل این بود که هیئت موزیران زنگنه خود صرف نظر کرده است. بعد از ملی شدن نفت وقتی دفتر سازمان بین المللی کار موضوع اختلاف نفت را در دستور چهارمین اجلاس (۱۹۵۲) گذاشت و احتمال می رفت که شرکت از محتویات گزارش مورد بحث اتخاذ سند کند دولت ایران فرست برای خنثی کردن اثر گزارش را بیان ایراداتی که به آن وارد بود مناسبت دید و هیئت را برای شرکت در کمیسیون و انجام این منظور اعزام نمود. (۳)

از طرف شرکت سابق نیز نمایندگان در کمیسیون شرکت داشتند اما آنها ابتدا به سخن ننمودند بلکه بحث از طرف مهندسی حسینی شروع شد که طی یک سخنرانی مشروح و مستدل موجهات عدم رضایت ایران را از شرکت سابق مخصوصاً در مورد سیاست و روش شرکت در امور مربوط به کارگران بیان کردند و بقایای مندرجات گزارش هیئت سه نفری را شرح داد. نمایندگان گروه کارفرما از هیئت های اعزامی گانادا و انگلستان سعی کردند اظهارات مهندسی حسینی را خلاف واقع و غیر منصفانه جلوه دهند اما نمایندگان ایران به اظهارات آن هسانیا ذکر دلیل جواب دادند و یادآور شدند که حتی گزارش مورد گفتگوی همه کوشش در جوابت از شرکت لااقل یک عبارت به نفع ایران قید کرده و گفته است: "اشکالات موجود در مناطقی نفتی مولود عملیات شرکت می باشد. دولت تاکنون هزینه های سنگینی در این نواحی محتمل شده است و نمی توان انتظار داشت که بول و کوشش های بیشتری صرف تاجاری نمایندگان را یک کارخانه

عظیم شرکت نفت تلقی می کند.

نمایندگان انگلیسی ضمن اظهاراتشان مسئله اختلاف ایران و انگلستان را طرح نکردند جز اینکه یکی از رؤسای شرکت در باره این سخنرانی دکتر مصدق را بدون ذکر اسم محتون خواند. یعنی گفت: "ممن اظهارات را با یک ضرب المثل فارسی تمام می کنم و آن اینست که: "یک دیوانه سنگی را در جا می نندازد که چهل سال قبل نمی توانست آن را بیرون بیاورد. اما یکی از نمایندگان ایران (نگارنده) ضمن جوابگوئی به اظهارات او، وجود ضرب المثل مناسب تری را یادآور کرد. به این مضمون که: "آب رفته به جوی بازمی گردد."

نتیجه تبادل سخنرانی ها این بود که اکثریت کمیسیون به نفع ایران تحت تاه سرقرار گرفت بطوری که نمایندگان بعضی دولت ها بخصوص مرموزیک به هیئت نمایندگان ایران پیشنهاد کردند که مطمئناً نمایندگان بربریتبیا نی کمیسیون از اقدام ایران و بنا روا شناختن عکس العمل شرکت و دولت انگلیس طرح کنند. ولی هیئت نمایندگان اصولاً این بحث را داخل در صلاحیت کمیسیون نمی دانست. و فایده ای برای طرح یک چنین قطعنامه بخصوص نا امکان خطر آن برای اعمال شغوف دفتر سازمان و هیئت های انگلیس و آمریکا و هلند قائل نبود. و به همین نتیجه اکتفا کرد که امکان استناد شرکت سابق به مندرجات گزارش هیئت سه نفری منتفی گردید.

دومین پیشنهاد انگلیس و آمریکا

به طوری که در بخش گذشته گفته شد نمایندگان جبهه ملی ضمن مذاکرات مجلس در اواردیهما اظهار کردند که دکتر مصدق برای حل مسئله نفت مشغول مذاکرات محلی است و موضوع را هشتاد درصداً تصه یافته می داند. مقامات رسمی انگلیس و آمریکا نیز در همان موقع اظهار می کردند که مذاکرات به مرحله نهائی رسیده است اما زمینه این اظهارات را میدواری ها معلوم نبود جز اینکه چندین ملاقات طی همان ماه بین دکتر مصدق و سفیر آمریکا صورت گرفت و چنین تابع شده بود که راه حلی در نظر گرفته شده ولی اشکال تعیین گزارم همچنان باقی است و مذاکرات در باره آن ادامه دارد. در تاریخ ۳۰ دی ۱۳۳۱ حکومت آمریکا تغییر کرد و آیزنهاور به ریاست جمهوری منصوب شد. دکتر مصدق امیدوار بود که با این تغییر حکومت روش دولت آمریکا در مسئله نفت به نفع ایران تغییر کند. بنا براین به مجرد انتخاب آیزنهاور و قبول از شروع آو به کار نامه تهنیت آمیزی به تاریخ ۱۹ دیماه به او نوشت و در طی آن چنین گفت:

"امیدوارم حکومت جدیدی که به ریاست آن حضرت تشکیل می شود در آغاز کار با همین سیاست در راه حل مسائل ایران کار کند. بی بهره برای رفع مواضعی که ملت ایران را از نیل به امسال خود با زده شده و نگذاشته است در برخواستن استقلال سیاسی و اقتصادی از زندگی بهتر بهره مندند و همراهی کنند.

قریب دو سال است که مردم ایران دچار بی عسرت و نابسامانی بوده اند فقط به علت اینکه یک شرکت طماع و سودجویا بشتمبانی دولت انگلیس جدوجهدخرج داده است که آن ها را از نیل به حقوق طبیعی و اساسی خود با زده ارد... متاه سفا نه دولت آمریکا در عین آنکه در باره ای موارد دوستی خود را نسبت به ایران نشان داده ولی از سیاسی نیز بیرونی کرده است که به نظر مردم ایران مبنی بر شتمبانی از دولت انگلیس و شرکت سابق است. یعنی در مجمع بین المللی در مورد مبارزه ایران از دولت انگلیس علیه ایران جانبداری کرده، به دولت انگلیس کمک مالی نموده و حال آنکه از چنین کمک به ایران در رخ کرده است. و بنظر ما لااقل تا اندازه ای به محاهدت های انگلیس در اخشنای ایران به وسیله محاصره مالی و اقتصادی کم نموده است... میمانا نماینده و مردم که وقتش حکومت جدید آمریکا که به ریاست آن جناب تشکیل خواهد شد عنان امور را بدست گیرد توجه دقیق به مسئله ایران میبذول در دنا ایران بتواند به آرمیان های خود رسیده و هدف طرح جهانی را تقویت کند. دیماه ۲۰ دکتر مصدق جواب آیزنهاور در تاریخ ۲۰ دیماه به نام

داد و ضمن تشکر از اظهارات ریشریک او چنین گفت: "از دریافت نظریات اجمالی آن جناب در باره وضع کشورتان خوشوقتند و نظریات موزیران با دست و علاقه مخصوص ملاحظه خواهیم نمود. امیدوارم این اظهارات طیبینان را از طرف بن ببینید که من به هیچ وجه و رسوبی طرفی آمریکا در این مسئله عدول ننکرده ام و هیچ کس سعی نکرده است که در این مطلب مرا تحت تاثیر قرار دهد... من خوشحال خواهم شد که به نحوا و مستقیماً چه به وسیله مجرای دیپلماتیک عادی در هر موقع بیامی حاکی از نظریات شما نسبت به هر موضوعی که مورد علاقه مشترک ما با بدریافت کنیم."

سدنیال تایعات دیماه در واسط بهمن یک حیرتعلی منتشر شد به این مضمون که وزیر امور خارجه جدید آمریکا فاستردالی

لندن رفندویا حرجیل و ابدن در باره مسئله بعضی ایران مذاکراتی نموده است که نتیجه آن بسزودی بموربا ابلاغ پیام مشترکی از جانب دولتین انگلیس و آمریکا بدولت ایران معلوم خواهد شد. این پیش بینی بی مورد نبود چون در تاریخ اول اسفند ۱۳۳۱ سفیر آمریکا در تهران طرخی به عنوان طرح مشترک دو دولت نامبرده به دکتر مصدق تسلیم نمود. مفاد طرح موزوره شرح زیر بود:

- ۱- موضوع غرامات شرکت نفت انگلیس و ایران به بد دیوان دادگستری بین المللی رجوع شود که سرطینی اصول یکی از قوانین ملی شدن منابع در انگلستان به استخاب شرکت موزیر میزبان آن را تعیین کند.
۲- بمجرد حصول توافق در باره تحفه، غرامات به شرح بالا دولت آمریکا مبلغی بعنوان مساعدت به دولت ایران بپردازد که در آینده معادل آن به نفت از طرف دولت ایران مسترد شود.
۳- دولت ایران موافقت نماید که با یک سازمان بین المللی که شرکت سابق نیز در آن دخیل باشد وارد مذاکره شده شرشیی قائل شود که شرکت موزیر دیر عمده ای نفت برای مدت طولانی خریداری کند.
۴- دولت ایران حق کامل آداره صنعت نفت خود را داشته باشد و فقط قبلاً متعهد شود که غرامت شرکت را به همیزانی که دیوان دادگستری بین المللی تعیین کند بپردازد.
۵- پرداخت غرامت ممکن است به یکی از دو صورت انجام گیرد یا با پرداخت صدی بیست و پنج از عایدات نا ویژه فروش نفت در آینده یا به وسیله تحویل نفت خام و تصفیه شده بر طبق تراضی طرفین - طریق دیگری که ممکن است در نظر گرفته شود اینست که اگر در هر سال ۲۵ درصد عواید فروش از پنج درصد میزان غرامت شرکت کمربا شد دولت ایران معادل این کمبود نفت به شرکت تحویل دهد.
۶- علاوه بر مفاد دیری که به شرکت تحویل داده خواهد شد دولت ایران در فروش نفت خود در باره زارهای جهان آزاد باشد.

- ۱- عموایری محمدعلی جمال زاده
۲- در ۱۰۵ صفحه عنوان

Les conclusions de Travail dans L'industrie du Petrole en Iran Genève 1951

۳- اعصای این هیئت عبارت بودند از مهندس حسینی و دکتر احمدعلی بهرامی و مهندس خلیلی (نمایندگان دولت) و دکتر کیهان و فواد روحانی (نمایندگان کارفرما) و طاهر و رحیمی (نمایندگان کارگران)

ایران

دشواریهای صدور نفت

منسابع گشتیرانی منطقه خلیج فارس روز جمعه (۸ اوت) اعلام کردند که عراق در ماه گذشته با بمباران نیمی از نفتکش های رابط میان خا رک و سیر، امرنقل و انتقال نفت ایران را سخت مختل ساخته است.

به گفته این منابع عراق روز پنجشنبه (۸ اوت) دو کشتی رابط ایرانی را در نزدیکی پایانه نفتی خا رک غرق کرده است. گفته می شود که بدین ترتیب، از آنجا که پیروی اسلامی برای تاه مین هزینه های جنگ با بناد دیر در آمدن نفت منگی است، بدست سخت فشار قرار خواهد گرفت.

ما گذشته به نفتکش رابط ایرانی دیگر نیز توسط عراق غرق شدند و این در حالی است که تعداد کشتی های رابط ایرانی حدود ۱۱ فروند تخمین زده می شود.

به گفته همین منابع، جمهوری اسلامی باید بتواند تا یک ماه دیگر پنج نفتکش رابط دیگر را از جمله کشتی های را که در گذشته خسارت دیده اند، به آب بیندازد.

نفتکش های رابط، نفت خام ایران را به پایانه سیری واقع در جنوب خلیج فارس که از دسترس جت های عراقی بیرون است، می رسانند. بعضی از این نفتکش ها نیز محصولات نفتی بی را که به پایگاه های ایران اکنون از تهیه آن ها عاجزند وارد می کنند.

یکی از دست اندرکاران امور گشتیرانی منطقه می گوید: "بنظر می رسد که جمهوری اسلامی برای آنکه بتواند کارها را پروبوا کند دنیا دشواریهای زیادی روبرو باشد."

هرالد تریبیون - ۹ اوت ۱۹۸۶

مهران طبری

دهن کجی دادستان امام

دادستان کل کشور، منتخب "امام" را به مبارزه ای داغی خوانده است. حجت الاسلام محمدخوینی ها برای آیت الله حسینعلی منتظری تره هم خرید نمی کند. سر اسرکارها و شعرا را می کند تا نی کل کشور یک دهن کجی مدام به آیت الله منتظری است. خوینی ها لحظه ای غافل نمی مانند از اینکه تکرار کنند و نشان دهند که شیخ انقلاب اسلامی در هیچ جا نشی منتظم تر از دادستان کل کشور نمی زند. او هر چه را لازم بداند می کند تا مبارزه مردم فراموش کنند که انقلاب اسلامی نیز دشمنان "انقلاب های مدام" تاریخ است که اگر توقف کنند، خواهد مرد.

دستور توقف را از هیچ مقامی نمی پذیرد، حتی اگر دستور دهنده خود خیمینی باشد. دادستان ارتباط خیمینی، زندانی است حاکمان، با خوینی ها، امام جمعه یئینین مسجد جامعان، نا آنگاه که مسلمانی دانیم به روزهای گروگان گیری دیپلمات های آمریکا بی در تهران ساز می گردد. خوینی ها، نزدیک یک سال پس از آن گروگان گیری، در مطایبه ای با روزنامه کیهان گفت که: ما موافقت امام را بدست آورده بودیم برای آن که سفارت آمریکا را حداقل سه روز اشغال کنیم تا برجست آمریکا بی بودن انقلاب اسلامی را برداریم، و امام فرمودند فقط سه روز... اما سه روز شد ۴۴ روز. دیگری بی بی شده بود که حزب توده بی دهنه گل به سراغ "دانشجویان خط امام" بیاید، دیگری بی بی شده بود که گروه های چپ نامدار همیز در تنگورداغ تظلمات جلو سفارت آمریکا بکشدند. دیگری بی بی شده بود که ما چو برای لکنزگی به افغانستان بی بیاید.

یک جامعه شناس ایرانی

ناهنجاریهای روانی

بالارفتن میزان خودکشی و قتل و افزایش سرقه، اعتبار و قاجاق مواد مخدر از عوامل روانی اجتناب نا پذیر حکومت ولایت فقیه است.

یک جامعه شناس معروف ایرانی که به خارج از کشور فرگرفته است ضمن توضیح این مطلب در گفتگو با خبرنگار را دیوایران افزود: ضربات حکومت اسلامی بر جامعه ایران فقط در ناهنجاریها نیست، بل به هم ریختگی سازمان اجتماعی که پیامد طبیعی چنین نظامی است، خلاصه نمی شود.

حکومت ولایت فقیه که به پشت مادی و معنوی را وعده می داد امروزه نتوانست که در بهر بن بست اجتماعی و سیاسی کف نشود. در پی آن آثار مخرب نیز در روحیات مردم جا گذاشته است.

درجه بندی که نظام ولایت فقیه ایجاد کرده است، نه به اصطلاح خودشان مستضعفان و نه آنان ها که در فرهنگ لغات رژیم مستگیر شده می شوند، از آثار مخرب این رژیم در ایران نامند ه است. این جامعه شناس می گوید، تنها یک مرور گذار بر زندگی عمومی و وضعیت معیشتی افراد، کمبودها و افزایش آمار جرائم اجتماعی و خودکشی ها، ماهیت و سبب و ارتجاعی نظام فعلی را آشکار می سازد.

وی افزود: من به خصوص روی آمار خودکشی ها و قتل ها که در سبب این رژیم در گوشه و کنار مملکت اتفاق می افتد، تکیه می کنم. همین دو هفته پیش بود که یکی از معازنه داران خیابان پهلوی بدلت ورزشکستی خودومنازه اش را به آتش کشید. همین چند ماه قبل بود که مردی بدفرزندش را سر برید، وزنی که کودکش را در شهر فیروزآباد شیر ری غرق کرد. و یک هفته پیش بود که مردی خود را از ساختمان برج شهید ایه بنشین انداخت. این ها نشانی از خوار و خشنوبی محدودی از انبوه قربانیان حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی رانسان می دهد. جامعه شناس ایرانی می گوید: گروهی از جامعه شناسان مدارک و اسنادی را جمع آوری کرده اند که رابطه نظام فکلی و گسترش موج پدیده های منفی رادر زندگی

دیگر بیش بینی شده بود که خیمینی اشغال سفارت آمریکا را "انقلاب دوم" بنامد. شاید پس بینی شده بود که اشغال سفارت و گروگان گیری را به صورت پیتر آمد سقوط دولت موقت مهدی بازرگان در آورند.

در آن روزها در تهران می گفتند که خیمینی چو نوری است و خوینی هادم او و جانور هروقت که اراده کرد، دستی را تکان می دهد، اما در این چند سال معلوم شده است که رابطه میان جانور و دم، معکوس است، و هروقت دم اراده کرد، جانور را تکان می دهد، به هر حال یک نقش خوینی ها از یک انداختن آدم ها می است که می گویند نقش اعتدال و نوروز در جمهوری اسلامی با زی کنند. یک روز و با زرگان و دولت موقت را از یکجا انداخت و امروز در صد است که منتظری راستگ روی بیخ کند.

هنگامی که آیت الله منتظری همه سرحدین موسوی توصیه کرد که از ایران با خارج از کشور بخواهد که برگردند و در "غم و شادی" جمهوری اسلامی سیریک باشند، این خوینی ها بود که گفت در کشور اسلامی جایی برای تمایزها نیست، و انقلاب نیست.

هنگامی که منتظری گفت که افراد باید از امنیت شغلی برخوردار باشند و نباید مانع هیچ کس، از جمله پزشکان، شد، با زهم این خوینی ها بود که پزشکان را به انقلاب خواند و تهدید کرد که وسایل سرکوب جمهوری اسلامی را علیه انسان بکار خواهد برداخت.

منتظری می گوید که مطبوعات باید در اظهار نظر و عقیده آزاد باشند تا دنیا نکوید رسا نه های هنگامی در جمهوری

عمومی ثابت می کند، و اما امیدواریم با تکمیل پژوهش ها روزی این اسناد به صورت مدون درآیند تا این واقعای اجتماعی حاصل از رژیم اسلامی در دسترس پژوهشگران و مورخان قرار گیرد.

را دیوایران

خیمینی و ادامه جنگ

نه اظهارات گویا جف خطابه معان و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی که: یک روز جنگ بدتر از سه سال مذاکره است" و نه در سخنان منوط صلح صدام حسین که خیمینی گذشته (۱۲ اوت) اعلام شد، هیچ یک کاری برای صلح از پیش نمی بردند. تهران بر آن است که "مجازات متجاوزان را به گونه "شبهات" راه حلوگیری از تکرار روگسترش تجاوز" ادامه دهد.

مخالفت علی خامنه ای، با پیشنهاد صلح رئیس جمهوری عراق که آن را دلیلی "ضعف فرماندهان نظامی بغداد" توصیف کرد در واقع آمادگی جمهوری اسلامی برای دست زدن به حملات تازه علیه عراق را نشان می دهد.

نقل و انتقال های گسترده نیروهای جمهوری اسلامی در بخش های مرکزی جبهه ازبک نشتر قسب الوقوع امواج انسانی خیمینی می دهد. خیمینی اخیرا با دخالت نهایی خود به اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان تاجیک حمله با "مواجه انسانی پایان داد.

بدین گونه بود که محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران و مدافع اصلی تا کتیک حمله با مواج انسانی، بر حریف خود سرهنک میا دشمن را از فرمانده پیشین نیروی زمینی جمهوری اسلامی بیرون زد.

میا دشمنی را با اعتقاد به جلوگیری از بهر دادن جان انسان ها، بر آن بود که در حالی که عراق خود از زیر تیرگی تکنیکی برخوردار است، جمهوری اسلامی با دیدن که را تا زمانه می گد است از تسلیحات نظامی محقری چون هواپیما، تانک، موشک های زمین به هوا و موشک های ضدتانک برخوردار گردید، به تسویق اندازد.

لوماسن - ۱۸ اوت ۱۹۸۶

اسلامی سروده یک کرباسند. اسباب خوینی ها در برابر او قد علم می کند و نظرمی دهد که روزنامه های اطلاعات، کیهان و جمهوری اسلامی باید تعطیل شوند و به جای آن فقط یک روزنامه سه انتشار یابد، او علت را در آغاز کمبود کاغذ ذکر می کند، ولی گویا این علت را از یاد می برد و علت واقعی می گوید، و آن اینکه روزنامه های نامبرده در حقیقت تخلفاتی با یکدیگر دارند و انسان اگر یکی از آن ها را خوانده باشد، گوئی همه را خوانده است.

منتظری، این با را با اشتباه فتوای خیمینی، می گوید: "گذشته افراد مملک نیست، ملاک حال افراد است. ولی این حرف را درست همان کسی پشت گوش می اندازد که با دیدن را جدی ترا زهمه بگیرد: یعنی حجت الاسلام والمسلمین محمد خوینی ها دادستان کل کشور، وی به معنای خود، حجت الاسلام رضایی دستور می دهد که کسانی را که در رژیم گذشته سیری توی سرها داشته اند به دادسرای انقلاب بخوانند تا گذشته خود را در دادگاه های انقلاب تبرئه کنند، بلکه بتوانند حال و روزی در جمهوری اسلامی داشته باشند. به عبارت دیگر منتظری می خواهد جنین القا کند که در جمهوری اسلامی اصل بر برائت است، حال آنکه خوینی ها عملا اثبات می کند که در جمهوری اسلامی اصل بر مجرمیت است.

نکته جالبی است اگر بدانیم که دهن کجی های دادستان کل کشور به جانشین ولی فقیه، با تائید خیمینی صورت می گیرد یا نه. ولی جدا از این، چه خیمینی تائید می کند یا نکند، چه بنواند جلو خوینی ها را بگیرد و چه نتواند، واقعیت سرخوردن جمهوری اسلامی نرم خوئی های ظاهری است. منتظری نیست، دهن کجی های مدام خوینی ها است - دهن کجی نه فقط به منتظری بلکه به قانون اساسی خود جمهوری اسلامی، در چنین حالتی آیا خوش باوری و خوش خیالی نیست به انتظاری روزی نتوانستن حداقل امنیت، آزادی، حقوق مدنی و سیاسی در پناه قانون در جمهوری اسلامی بوجود آید؟

وای به حال آمریکا!

بقیه از صفحه ۷

که روس ها حاضر نبودند سرزمین های را که در جریان جنگ تحت تسلط ارتش سرخ درآمده بود تخلیه کنند. آمریکا می توانست استقلال کشورهای دیگر را محترم نبرد و حتی اعتبارات هنگفتی را برای کمک به اجرای برنامه های بازسازی و توسعه در نقاط مختلف طلبی تا جرأت می کند به هدف های انسانی سیاست جهانی آن ها علیه کرد و خواهنا خواه در مسابقه کسب امتیازات و اردگوودند و طبعاً "بسیار اتهام همدستی با عوامل فساد دیکتاتورها در جهان سوم بدوشتگان افتاد. این بود که آمریکا می خواهد خود را از دست دادند و زمینهای تبلیغاتی خود را در دست خود آمریکا می خواهد هموار شد.

بهر صورت جودا آمریکا می در کشور های جهان سوم به سروروی ها بی بی از همه مکان بهره گیری میداد ولی تنها آن ها نبودند که از تشدید احساسات ضد آمریکا در نقاط مختلف جهان فرسند می شدند، بعضی کشور های صنعتی غرب نیز ما یل بودند که زیر پای آمریکا در بایگ های می که بعد از جنگ دوم جهانی نبودند که از تشدید احساسات ضد آمریکا در نقاط مختلف جهان فرسند می شدند، بعضی کشور های صنعتی غرب نیز ما یل بودند که زیر پای آمریکا در دست آورده بود خالی شود، زیرا آمریکا می گانده تنها آن ها را از مناطق نفوذ سنتی آنان رانده بود بلکه با قدرت عظیم اقتصادی خودتعمشان را بشماره می انداخت در قضاای مربوط به افزایش قیمت نفت نیز اروپای غربی و ژاپن موضع آمریکا را تشخیص می دادند و می دانستند آمریکا از افزایش قیمت نفت زیانی نمی برد زیرا واردکننده نبود حال آنکه با افزایش قیمت نفت از یک طرف قدرت رقابت را از دست می دادند با زرگانی خود یعنی ژاپن و اروپای غربی به علت افزایش هزینه تولید آن ها سلب می کرد و از طرف دیگر سرانرا لافش در کشورهای نفت خیز، با زار فروش خود را در این کشورها توسعه می داد.

در جریان انقلاب اسلامی و پس از استیلا رژیم موجود، در ارتباط با این جو و به وسیله گروه بی نه های داخلی،

شعارهای فدا آمریکا می شکل خاصی بخود گرفت. و اما چرا آیت الله درین سال ها هیچگاه خریدگانه ای آمریکا می را "حرام شرعی" اعلام نکرد؟ دلیلش اینست که بزرگ ترین خریدار کالای آمریکایی در ایران دولت آیت الله بوده است. بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران، دولت کا و ترا اعلام کرد که جمهوری اسلامی را در محاصره اقتصادی قرار می دهد ولی علی رغم آنکه در داخل آمریکا محدودیت هایی برای صدور کالا به ایران وضع شد، فروش کالاهای آمریکایی به جمهوری اسلامی چه مستقیم چه غیر مستقیم ادامه یافت.

در مقررات تحریم اقتصاد، اسواد غذایی و دارویی مستثنی شده بود و آیت الله اگر دانسته است تا امروز دکان های ناشوئی را دایره بگردارد به برکت گندم آمریکا است.

آمریکایی ها حتی در زمستان دو سال پیش که جمهوری اسلامی از لحاظ نفیست سفید درمیخیزد افتاده بود به اوت و تغذیه سفید فروختند. گفته از این ابتکار کالاهای آمریکایی زرخ و سوزن و عریضهای گونی گرفته تا توپ و تانک و موشک و هواپیما بطور غیر مستقیم به جمهوری اسلامی فروخته شده است.

برای صدور کالاهای آمریکایی به ایران راههای متعددی گشوده شده است، هم تجار آمریکا می وهم عوامل جمهوری اسلامی شرکت های متعددی در کشورهای ثالث تا سیر کرده اند که انواع کالاهای آمریکا را به وسیله دلال های بین المللی معامله می کنند و به ایران می فرستند. لطف اینگونه معاملات است که تجار آمریکا می هر بنحلی را به هر قیمتی تیخته می ببرد می فروشند بدون آنکه در مقابل خریدار کمترین تعهدی داشته باشند و بدو خوش را تضمین کنند.

این طرز معامله حکم معامله قاچاقی دارد و در معامله قاچاقی، شرایط بطور کلی توسط فروشنده تعیین می شود. خریدار تا بجز است بول بی زبان را بدهد و به انتظار بنشیند که آیا چیزی بدست خواهد رسید یا اینکه عوض اسلحه آهنین قرانده تحویل می دهند و یا بلا پول را می بیعند و سوا می هم بیای می کنند. بهر حال، در باره هیچ کدام از این معاملات بنیان و اتکا بر آیت الله خیمینی از جنبیات آن خریدار است که امکان شرعی وارد نبوده است و حال آنکه حضرت امام شخصیت داده اند خریدار کالاهای آمریکا می توسط حجاج ایرانی شرعا اشکال دارد.

با این همه محدودیت های ارزی، حجاج ایرانی دیگر آن حاجی ها بی نیستند که پس از ختم مناسک حج با حیب های انباشته از دلار به بازارهای خرید هم می بردند. تازه همان وقت هم حجاج بیشتر کالاهای زاینی و آلمانی و محصولات تایوان و سنگاپور و کره جنوبی را می خریدند و سورنه کالای آمریکا می که در سرخ به وسیله زائران ایرانی خریداری می شد و بعد از ورود به بیام تاریخی و فتوای شرعی داشته اند، بیام تاریخی آقای خیمینی تا بیام سوری بی بی نیست، حضرت امام حتی حقیرتر از آن شده است که بیام تاریخی او ارزش یک متلک با خنده استیغز داشته باشد.

فروش انگشتریهای ازدواج

بقیه از صفحه ۲

فروش روزانه میوه در مازنه های میوه فروشی نسبت به سال ۶۴ که سال کساد میوه هم بوده سه یک سوم تکمیل یافته است. این کساد میوه و کم بولی خانوادها میزان آگهی های فروش کالاهای دست دوم را به شدت بالا برده و غیر از این ها در روزنامه ها بر سر هر گوی و بر زن ده ها اعلان دستی برای فروش داشته منزل و حراج های خانگی بهیجا سه سفسر و مها جرت به خارج به چشم می خورد. در هر متنازه طلافروشی ازهری نفر مراجه سه کننده ۴۵ نفر فروشنده آخرین اشیا زینتی و انگشتری عروسی ونا زیندی هستند وبقول یک زرگر، این دل کنند از یادگارهای تشنگ زندگی تلخ ترین صحنه ها را در این گونه مازنه ها خلق می کند. دولت که برای سیر کردن این ریزودرشت حزب الله که سوار بر موتور و یا لباس شخصی شهروا کنترل می کنند درمانده است، برای کسب درآمدهای تازه از زنه های شیوه های کشیف و فدا ناسی بهره برداری می کند.

سوانح

موج تازه ایرانیان فراری

هجوم ایرانیان فراری هر روز بیشتر و بیشتر می شود. زیر این عنوان سوانح روزنامه سوئدی داگنس نی هیتسر طی گزارشی درباره پناهندگان ایرانی به سوئد نوشت:

طوفان فراریان ایرانی دوباره شدت گرفته است و هر هفته بیش از صد پناهنده ایرانی از راه های مختلف خود را به فرودگاه استکهلم می رسانند و تقاضای پناهنده گری می کنند. آن ها حتی حاضرند در اردوگاه های مخصوص پناهندگان به سربرند، اما به تهران بازگردانده نشوند.

بیشتر ایرانیان فراری از جمع بندی اسلامی، به نجات میالغ هنگفتی می پردازند تا با یک گذرنا میا و ویزای تقلبی خود را به مرز سوئد برسانند. برخی از آن ها دلیل درخواست پناهنده گری خود را فرار از جنگ ذکر می کنند، اما مسلم است که هر کس که بتواند در راهی پیدا کند، از جمهوری اسلامی فرار می کند.

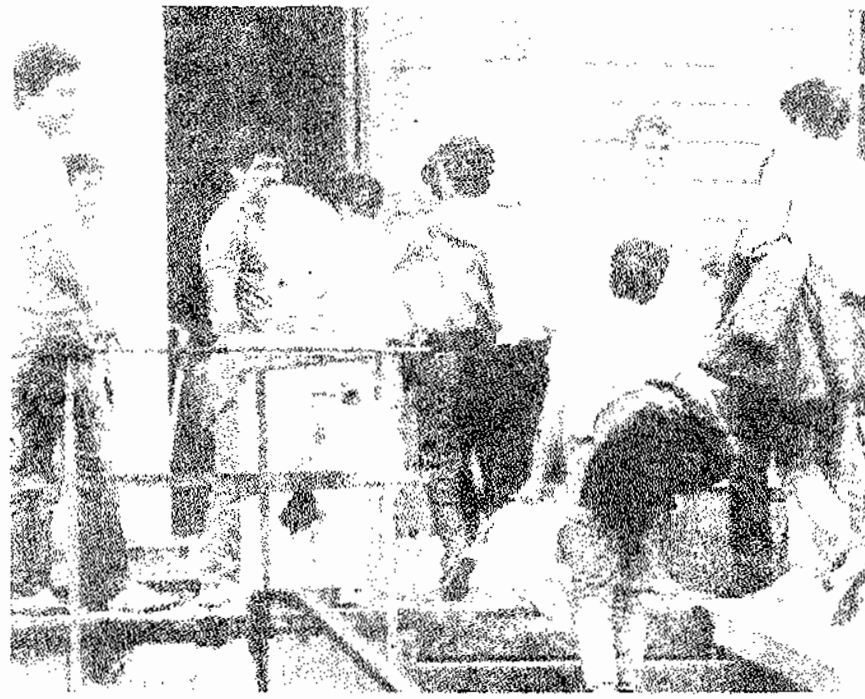
گزارشگر این روزنامه می افزاید: نزدیک به یک ماه است که گروه های گشتی با کامیون ها در شهرها و روستا های ایران راه افتاده اند و هر کس را که بتواند سربا ایستادن دارد، سوار کامیون های کثرت و بدون آموزش نظامی، یک راست به جبهه های فرستند.

یک سرباز فراری می گوید: روزی کامیون سوارها و گشتی ها مرا با فلکس کورند و بدون آن که اجازه بدهند حتی به هم سرم اطلاع بدهم، مرا به جبهه فرستادند، اما توانستم در میان راه فرار کنم. به این ترتیب دیگر جای ماندن نبود، وسایل زندگی و اثاثی را به ازای تریه قیمت فروختم، فرزند پنج ساله و همسرم را نزد خانوادش گذاشتم و فرار کردم. تمام پولی را که داشتم برای خرید یک گذرنا مه و ورود به تقابلی برداشتم تا شاید بتوانم خود را به کشوری امن برسانم.

گزارشگر سوئدی می افزاید: سلبت آنکه آلمان شرقی به موجب قرار دادی مانع از عبور ایرانیان فراری به سوی مرزهای سوئد می شود، فراریان از تهران به دومی و از آنجا به کشورهای مختلف از جمله سوئیس یا آلمان غربی

هسته های مقاومت در ایران

بروازمی کنند و سپس خود را به سوئد می رسانند. آن ها برای آنکه ویزای ورود به این کشورها را به دست آورند میالغ هنگفتی به دلان و قاچاقچیان یا راهنمایان خود می پردازند. یک تن از ایرانیان گریخته از جمهوری اسلامی می گوید: اگر کشورهای آزاد به سفارت خانه های خود در تهران اجازه صدور ویزا بدهند، ایرانیان ناچار



آوارگان ایرانی در سوئد

نمی شوند همه هستی خود را به قاچاقچیان بسپارند. از سوی دیگر مقام های کشورهای آزاد جهان باید به این نکته توجه کنند که با فشاری که جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه کسب و کار اعمال می کند، ایران برای خیلی ها که کار فرستند، هوا و هوس های حکام اسلامی بشوند. جای ماندن نیست. رئیس پلیس فرودگاه استکهلم می گوید: هجوم ایرانیان فراری نظم شکست است. پلیس فرودگاه را به هم ریخته است. آنجا که ما قادر به تشخیص وضعیت آن ها نیستیم آن ها را به محض آنکه می رسند،

به یک اردوی موقت انتقال می دهیم تا بعداً با کمک ما موران اداره مهاجرت وضعیت فراریان را روشن کنیم. گزارشگر روزنامه داگنس نی هیتسر، یادآوری می کند که، اخیراً در یک مصاحبه تلویزیونی وزیر مهاجرت سوئد اعلام کرد که با مقامات آلمان غربی وارد گفتگو شده تا شاید بتوانند به شکلی از عبور ایرانیان به سوی سوئد ممانعت



آوارگان ایرانی در سوئد

نمی شوند همه هستی خود را به قاچاقچیان بسپارند. از سوی دیگر مقام های کشورهای آزاد جهان باید به این نکته توجه کنند که با فشاری که جمهوری اسلامی به ویژه در زمینه کسب و کار اعمال می کند، ایران برای خیلی ها که کار فرستند، هوا و هوس های حکام اسلامی بشوند. جای ماندن نیست. رئیس پلیس فرودگاه استکهلم می گوید: هجوم ایرانیان فراری نظم شکست است. پلیس فرودگاه را به هم ریخته است. آنجا که ما قادر به تشخیص وضعیت آن ها نیستیم آن ها را به محض آنکه می رسند،

را دیوی جمهوری اسلامی اعلام دادند. هواپیما های عراقی حملات مستمری کا رگرشین نزدیک آنها را بمباران کرده اند که در نتیجه آن عده ای زخمی شدند و خسارات مختصری به تأسیسات صنعتی و خانه های این منطقه وارد شد. جمهوری اسلامی همچنین اعلام کرد که یک هواپیما عراقی هنگام بازگشت در اشرافیه دفاع مد هوایی جمهوری اسلامی در این منطقه سرنوشت

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری فرانسه، بیانه نظامی دیروز عراق حاکی است که در میان این منطقه غیرنظامی سیروان واقع در استان سلیمانیه عراقی که روز چهارشنبه (۶ اوت) به وسیله جمهوری اسلامی صورت گرفت ۷۲ غیر نظامی از جمله ۲۱ کودک کشته و ۴۰ نفر زخمی شدند. تعداد زیادی از مددگونی ویران گشت. بیانه نظامی عراقی، حمله جمهوری اسلامی را جاسیت وحشیانه لقب داد و اعلام کرد عراق به موقع به این اقدام جنایتکارانه و عمل غیرمستولانه پاسخ خواهد داد.

بر اساس این گزارش بمباران امفغان بدستال انتشا را بن بیانه مسسورت گرفت.

از سوی دیگر برای نخستین بار رسساز آن که جمهوری اسلامی و عراقی، در تیرماه سال گذشته بطور ضمنی موافقت کردند از بمباران شهرها دست بردارند، جمهوری اسلامی با تویچه دوربرد خود از ۲۸ ژوئیه تا ۴ اوت به مدت ۸ روز متوالی، بمباران شهر بزرگ عراق را به

بندت بمباران کرد. روز شنبه گذشته (۷ اوت) در بمباران یک دبستان در بصره یک کودک به قتل رسید و ده نفر مجروح شدند.

در این حال جمهوری اسلامی، در تاریخ ۶ اوت گزارش عراقی را مبنی بر

بمباران ناحیه سکونی سیروان واقع در منطقه "حلبه" بشسدت تکذیب کرد. سخنگوی ستاد تبلیغاتی جنگ رژیم تهران گفته های عراقی را کذب نامید و آن را بیانه ای برای دامنه بمباران های عراق دانست. سخنگوی ستاد تبلیغاتی جنگ افزود: بمباران امفغان بدون پاسخ خواهد شد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، هواپیما های عراقی بعد از ظهر دیروز سیرفر را امفغان را به سر واز در آمدند ولی بر اشرافیه دفاع مد هوایی از محصل دور شدند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی می افزاید: حضور هواپیما های عراقی در امفغان ۱۶ ساعت که ساعت ۱۶ و ۴۵ دقیقه دیروز (۶ اوت) از سر خطر هوایی در تهران بصدادر آمد.

خبرگزاری فرانسه - ۷ اوت ۱۹۸۶

جمع آوری امضا برای صلح

و

نمایشگاه عکس

نهضت مقاومت ملی ایران - تا خسه ایستالیا - با برپایی یک نمایشگاه عکس از جنایات و آدم کشی شوکنجه های ملیون در زندان های رژیم خمینی، بار دیگر افکار عمومی ایستالیا را نسبت به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی جلب کرد.

این نمایشگاه که از ۱۵ ژوئیه تا چهارم اوت در مرکز شهروینو برپا بود، توجه هزاران شهروین و دانشجویان تورینو و ایرانیان مقیم ایستالیا را به خود جلب کرد.

شاخه ایستالیایی نهضت مقاومت ملی ایران در گزارشی که در باره این نمایشگاه فرستاده است یادآور می شود که بیست و هزارتن از دیدارکنندگان نمایشگاه عکس، علیه جنگ جمهوری اسلامی و عراق امضاء داده اند و بسیاری از اینان ضمن جملات و اظهار نظرهای درذیسل امضاء این جنگ بی فرجام را، اسفبار، غم انگیز و ضد بشری توصیف کرده اند.

برپایی این نمایشگاه عکس در مطبوعات ایستالیایی، بازتاب درخور توجهی داشته است که از آن جمله "لا استامو" و "باز دلا سرا"، دوروزنامه پرتیسرا، گزارش های دربار نمایشگاه به حساب رسانده اند.

خبرنگار این روزنامه می نویسد:

در تویوسی که ایرانیان را به اردوگاه منتقل می کرد با چندتن مهاجرتی انجام دادم. بیشتر آن ها میگویند: تا زمانی که رژیم اسلامی همه چیز را در جبهه های جنگ خلاص می کند و جوانان ایرانی آینده خود را تبا و و سیه می بینند ایرانیان دیگر قادر نیستند در وطنشان باقی بمانند، زیرا این روزها "جنگ حائل بزرگی است میان امروز و فردا".

داگنس نی هیتسر، جاب استکهلم - ۲۸ ژوئیه

شده بود: "خان خلمون"، در تهران پخش شد. موضوع جالب دیگری که در استانها سا لگروا انقلاب مشروطیت، به ویژه در تهران جلب توجه کرد، آهنگهای کتاب های تاریخ مشروطیت از کسروی و آنا ر محققانه فریدون آدمیت و دیگر آنا ر مربوط به انقلاب مشروطیت بود. دوستان و افراد خانواده، به سوان تبریک جشن مشروطیت، کتابی درباره این انقلاب ملی به یکدیگر هدیه کرده اند.

گزارش های دیگر از هسته های مقاومت تهران و تبریز و شیراز و زورخا شبهه جاسی از آنست که صبح روز ۱۴ مرداد، گروه های چند نفری با صدور آن کمیته ها و اعضا، گشت های گوناگون رژیم، در کوچه ویس کوچه و خیابان های این شهرها به راه افتادند و به کندن و پیاک کردن شعارها و عکس ها پرداختند.

در تهران و تبریز بیانه به گزارش های رسیده، عوامل رژیم تا ساعتی از ظهر گذشته به این کار اشتغال داشتند.

بمباران اصفهان

هواپیما های عراقی پالایشگاه امفغان و تاسیسات نفتی پایانه خزرگ را بمباران کردند. هواپیما های عراقی ساعت ۱۰ و ۵ دقیقه صبح دسروز (۸ اوت) پالایشگاه امفغان و یک نیروگاه برق و دودنیرگا حرارتی را واقع در جنوب غربی امفغان بمباران کردند و تلفات و خسارات زیادی وارد آوردند.

عراق در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد که کلیه هواپیما های ساسم به پایگاه های خود بازمیگردند. بر اساس همین اعلامیه، هواپیما های عراقی دیروز دوباره تاسیسات نفتی پایانه خزرگ را نیز بمباران کردند.

تظاهرات بزرگداشت انقلاب مشروطیت

بقیه از صفحه ۱

در تهران، به ویژه در اطراف چهارمیدان مشری سیدخندان، میل سیدخندان، خیابان شمیران، خیابان بیلوی، نارمک، خیابان شاه و در خیابان های نوا جی جنوبی تهران (ناموسخرو، شاهپور، امیریه)، گروه های چند نفری هسته مقاومت و ایستادگی با رجهای حاوی شعارهای: "چهاردهم مرداد برملت ایران مبارک" - "جشن مشروطیت را به ملت ایران تبریک میگوئیم" و ... به دیوارها، بدنه پل ها، برفراز تا بلوهای راهنمایی و راهنمایی و برجیبه چندساعتی بلندند و کردند. همزمان با پخش و نصب شعارها، جوانان هسته مقاومت میان ساعت ۹ تا یک با مداد شب هنگام سبزه هم مرداد، بسا صدای هما هنگ و به فریاد رسا در کسوت شب در خیابان ها و کوچه ها شعارهای ضد رژیم خمینی سر می دادند.

شعارهای دیگری که در شهرهای گوناگون ایران در این شب سا لگروا انقلاب مشروطیت به گوش شهروندان رسید عبارتند از:

زنده باش پوربختیار ادا مه دهنده نهضت مدق - زنده و سیروز با ملت ایران - مرکز روزیم خون اشام ولایت فقیه و ... گزارش های که از شهر تبریز رسیده است حکایت می کند که صد و چهل هسته مقاومت در شب چهاردهم مرداد، بساوی از نقاط شهر را از عکس ها و اعلامیه ها و شعارها پوشا کردند. در حکما و تبریز، به تمام ساعت، شعارهای ضد رژیم

و شعارهای بزرگداشت انقلاب مشروطیت از چندین صدگویی دستی پخش می شد، که هر چند دیدن محل بلندگوها تغییر می کرد. در تبریز عکس های ستارخان و باقرخان به همراه عکس های تاپور بختیار و در بسیاری نقاط بردیوارها نصب شد. گزارش های دیگر از تهران حاکی از آنست که در همین شب هشتاد شمیع کافوری بزرگ در مقبره ستارخان در جنوب تهران روشن شد که تا صبح می سوخت. بزرگداشت مشروطیت، علاوه بر پخش شعارها و عکس ها، در تهران و رشت و سایر شهرها نیز گزاری میمانی درخا نوا ده ها نیز همراه بود. در این میهمانی ها که از دوستان و خویشاوندان نزدیک حضور داشتند، تاریخچه مشروطیت و جانفشانی مردم ایران در مبارزه با استبداد سلطنتی بازگفته میشد و شعار انقلابی شاعران دوره مشروطیت با زمی خواندند. یک هسته مقاومت فعال در تهران، در گزارش خود می گوید:

"چند گروه از جوانان تصمیم گرفتند تا در شب ۱۴ مرداد، بر بلندی های البیز در حوالی توجال، هشتاد دسعه برافروزند. آنشب مردم تهران بساوی از نسله های فروزان بر بلندی ها را دیدند که همزمان در نقاط گوناگون کوهستان برافروخته شد. ... یک گزارش دیگر می گوید: شمار بسیار از عکس های شیخ فضل الله نوری که بر روی آن به خط قرمز نوشته

صلح در مسلخ چهاران

آیت الله خمینی در پیامی خطاب به حدود ۱۵۰ هزار شاخه خدا، (۱۷ آوت) برای برپا کردن ۱۶ مرداد ماه (۱۵ آوت) با ردیگر هرگونه احتمال بفرقاری صلح در جنگ خلیج فارس را رد و طرد کرده است.

آیت الله بدون آنکه مستقیماً اشاره ای کند، اما در حقیقت در این پیام به نامه سرگشاده صدام حسین رئیس جمهوری عراق پاسخ می گفت که چند روز پیش طی آن مقامات جمهوری اسلامی راه مذاکرات صلح دعوت کرده بود.

آیت الله در این پیام صلح را از "جمله گناهان کبیره" توصیف کرد، زیرا به عقیده وی: "یک صلح تحمیلی بهتر از جنگ است."

در بخش دیگر از این پیام، آیت الله خمینی، موقع سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی را "تیر و مند و مستحکم" بر خواند و گفت:

"دعوت ملحق که از سوی دشمن پیشنهاد شده است، برای آنست تا فرصت پیدا کند که نیروهایش را تقویت کند و با ردیگر غافلگیرانه به ایران هجوم آورد. در این صورت، ایران ناچار خواهد بود تساهل و صلح را بپذیرد. در این صورت، تساهل و صلح با رژیم بغداد یعنی برسیبیت شناختن حزب بعث که با جنایت و ارتعاب مردم مسلمان عراق حکومت می کند. پیام اخراج آیت الله خمینی، تفسیرها و برداشت هایی را در رسانه های گروهی بین المللی در پی داشت. مطبوعات انگلیسی زیر عنوان های "آیت الله می جنگد"، "خمینی صلح را دوست ندارد"، "جنگ خلیج فارس با لایم می کشد". این پیام آیت الله ۱۶ ساله را نقطه پایان بر خوشبینی های اخیر گروهی از آگاهان تلقی کرده اند، که گمان می کردند سقوط بهای نفت خمینی را بر سر عقل خواهد آورد.

روزنامه های فرانسوی، بار و طوطی به پیشنهاد صلح صدام حسین از سوی آیت الله خمینی، آینه نزدیک را در چینه های جنگ برکشتر، و ترس آور "توصیف

کرده اند، اما برخی از آنان (نوماتن و لیبراسیون) با وجود این، عراق و ایران را "از نفس افتاده و خسته" می دانند. لیبراسیون با رجوع به گفته های خاندنای ورفسنجانی در ماه پیش که به تکرار گفته اند: "تا پایان سال جاری، جنگ با این خواهد یافت"، چنین نتیجه می گیرد که: "اشارات صریح و مسئول درجه اول جمهوری اسلامی در اینکه کار جنگ اسال تمام خواهد شد به معنای آنست که ایران دیگر در خود توانایی ادا مد جنگ فرسایشی را نمی بیند."

ماهنامه فرانسوی "بازار" مینویسد: "امام با ردیگر برنده صلح را در مسلخ چهاران سر برید و این در حالی است که: "ملایان حاکم" ایران به سیخ بی سابقه ای از نیروی انسانی دست زده اند. ماهواره های آمریکایی تجمع نیروهای ایرانی را در جبهه ها پر شمارتر از هر زمان در گزارش کرده اند. امام خمینی با پیام ۱۷ آوت در حقیقت فرمان یک حمله خونین دیگر را صادر کرده است. نتیجه این حمله تازه به پیشینیا می آید. امواج انسانی باید حداکثر از شغال چندده کیلومتر مربع بیابان سوخته ویا مرداب پیشتر رود، اما هزاران قربانی از نیروهای ایرانی بر جای خواهد ماند. پس از این هجوم محتمل، با زایران و عراقی ها نجاتی فرا خواهد داشت که امروز ایستاده اند. اما فرسوده تر و خسته تر و آسیب پذیرتر از همیشه: ارتش عراق بی با به گزارش های گوناگون روحیه مستحکمی ندارد و اعتراض های فوجی در ایسرا ن نیز هر روز بالاتر می گیرد. امام خمینی، بسطظری رسد این با رتبه جیب همکار می تواند، و در پایان حمله محتمل دست خالی تر از همیشه خواهد بود..."

تهران

امریکایی زندانی

وزارت امور خارجه آمریکا دیروز تا شنبه کرد که یک آمریکایی ۴۹ ساله به نام "جان پاتیس" کارمند یک شرکت آمریکایی در ایران، از سوی جمهوری اسلامی به اتهام جاسوسی برای ایالات متحده دستگیر شده است.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، چندی پیش اعلام کرد که یک آمریکایی که در ایران به ایستای می بود به جرم جاسوسی دستگیر شده است. وی اما چند و چون این ماجرا را فاش نکرد.

"جان پاتیس" کارمند یک شرکت آمریکایی به نام "مهندسان کامپوس" بود و در مرکز ارتباطات ماهواره ای اسد آباد همدا کار می کرد. به گفته خواهرش، مقامات جمهوری اسلامی به شرکت مذکور فشار آورده بودند که کارمندان آمریکا را خود را با گذرنامه سا پر کشورها به ایران بفرستند تا فاش نشود که اتباع آمریکا را در ایران بکار اشتغال دارند.

چارلز ردمن، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که دولت آمریکا از طریق سفارت سوئیس در تهران که حافظ منافع آمریکا در ایران است از این ماجرا آگاه شد. وی توضیح بیشتری در این زمینه نداد و گفت: "دیپلمات های سوئیس اجازه ندارند رسیدن با "جان پاتیس" ملاقات کنند." اما (الن پاتیس) خواهر آمریکایی با زداشت شده، در واکنش اعلام کرده که "جان پاتیس" به اتهام آن که از سوی آمریکا اطلاعات محرمانه را اختیار عراق قرار داده است، روز ۲۷ تیرماه گذشته دستگیر شد.

خبرگزاری فرانسه - ۹ آوت ۱۹۸۶

آتش سوزی بزرگ

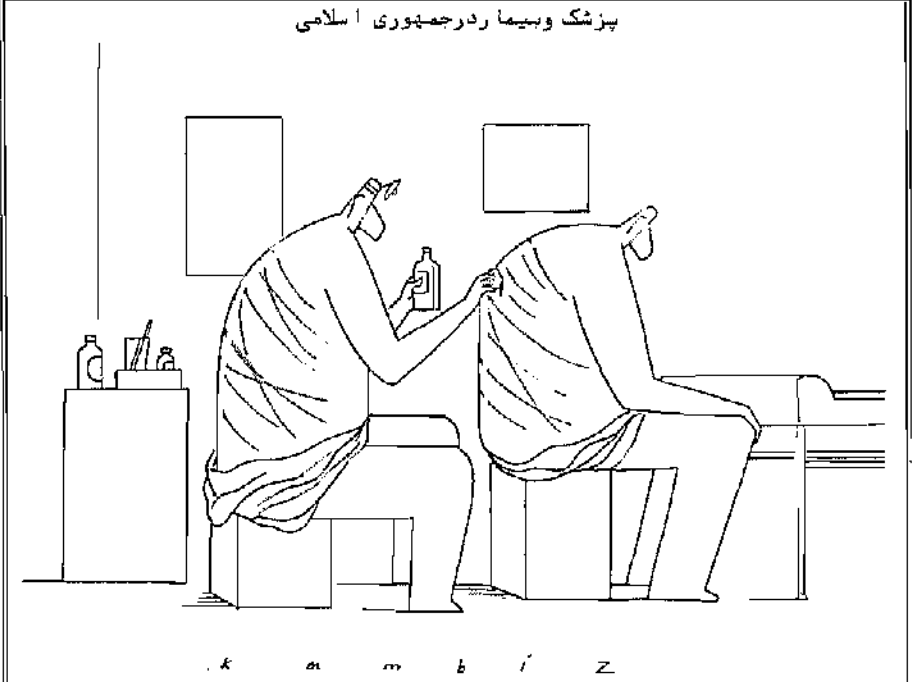
در یک آتش سوزی مهیب که به دنبال چند انفجار رشید در سه راه تخت جمشید جاده قدیم شمیران تهران رخ داد، دویانک در آتش سوخت. بر اثر این آتش سوزی که ساعت ۴ تا ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۹ مردادماه (۱۵ آوت) بطول آنجا میزد، ستون های سیاه دود آسمان این منطقه را پوشانده بود. در تهران، مردم می گویند، این آتش سوزی عمدی است و طبق یک نقشه حساب شده توسط عوامل رژیم صورت گرفته است.

راهپیمایی بزرگداشت

بمناسبت هشتاد و دومین سالروز اسلام مشروطیت، ایرانیان مقیم لس آنجلس با مداد شنبه ۱۴ مرداد - ۵ آوت - در برابر ساختمان بانک ملی ایران، گرد آمدند و ضمن گرامیداشت هشتاد و دومین سالروز مشروطیت، از حرکت های اعتراضی آمریکا خیر بزرگان ایران در پرا بر رژیم اسلامی پشتیبانی بعمل آوردند.

نظاره کنندگان که پرچم شپروخورشید نشان ایران و پلاکارد های با شعاری به طرفدار آزادی و حقوق ملی و درخواست آزادی سریع بزرگان زندانی در جمهوری اسلامی با خود حمل می کردند، پس در خیابان های شهر راهپیمایی کردند و صدای اعتراض خود را به گوش هزاران تن از مردم کوچه و بازار که شاهد این نظارتهای بودند، رساندند. بر پلاکارد های نظاره کنندگان این شعارها بد چشم می خورد:

"ما برای استقامت و مبارزه می کشیم" - "حقوق بشر استخوان پذیر نیست" - "ایران هرگز نخواهد مرد" - "از شکنجه بزرگان ایران که در راه احقاق حقوق منافی خود مبارزه می کنند، جلوگیری کنید" - "مرگ بر خمینی و جمهوری اسلامی، زنده باد مردم ایران، برقرار باد رژیم مشروطه." کانال هفت تلویزیون آمریکا که از این نظارتهای تلبلیم برداری کرده بود با چند تن از شرکت کنندگان به مصاحبه پرداخت. گزارش تلویزیون کانال هفت، در برنامۀ خبری شب همان روز پخش گردید.



پزشک و بیمار در جمهوری اسلامی

دا نشجویان ایرانی رشته پزشکی دانشگاه های کالیفرنیا نیز در این زمینه همگام با پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به دفاع از حقوق منعی پزشکان معترض ایرانی برخاستند و صدای اعتراض خود را نسبت به دادگاه با زداشت پزشکان زندانی به گوش محافل جهانی رساندند.

بین المللی و درج مقالات در مطبوعات آمریکا و اقدام های دیگر، صدای همکاران خود را بران را به گوش افکار عمومی آمریکا رساندند و خواست های پزشکان اعتمایی و موارد تجاوز و زورگویی های رژیم اسلامی نسبت به پزشکان را تشریح کردند.

نشانی: QYAM IRAN C.O G.R. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد

پزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس

دفاع از حقوق صنفی پزشکان ایرانی

بدنیا ل اقدام های افشاگرانه چند تن از پزشکان ایرانی مقیم آمریکا به منظور جلب حمایت محافل بین المللی از حرکت های اعتراضی پزشکان ایرانی و محکوم ساختن رفتار خفوش و بی احترامی رژیم اسلامی در برابر آن ها، ساعت شش بعد از ظهر روز شنبه ۱۴ مرداد - ۵ آوت - جمعی از پزشکان و دندانپزشکان ایرانی مقیم لس آنجلس در بیمارستان "میکون" این شهر گرد هم آمدند و ضمن انتشار رسپانیه ای، مراتب اعتراض خود را نسبت به رژیم اسلامی به اطلاع سازمان ملل متحد و سازمان بهداشت جهانی رساندند. آن ها از همکاران خود در آمریکا، درخواست کردند که به حمایت از حقوق حقه پزشکان ایرانی، بیاخیزند. در این میان دکتر کا شانی، دکتر پرویز طالبقانی، دکتر فیروز الهی و دکتر رونقی با ارسال تلگرام و نامه به مراجع

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۲۰ فرانك فرانسه - شش ماهه ۱۱۰ فرانك فرانسه - دانشجويان نصف قيمت

ایمپلاست (نام و نام خانوادگی) فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom نام: Prenom آدرس: Adresse شماره حساب بانکی: شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Credit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200